٦٨٧

هفته نامه

بجز اصلاح اراده دیگری ندارم سوره هود ۸۸

اصلاح ملی

سیاسي، ټولنیزه او فرهنګي اوونیزه

۳۰مه ګڼه، د ۱۳۹۶ لمریز کال د عقرب ۱۳مه، د ۱۴۳۹ هـ ق د صفر ۱۵مه، د ۲۰۱۷م د نومبر ۴مه نېټه

دوه مخي ډیموکراسي

نگرانی از پرچوی برق

هر سال بیش از سال قبل...

کابل-دهلي امریکې

آیا اسلام آباد تر فشار لاندې دی؟

باوري اوسه!
لوی پروردګار ستا غږ اوري

باوري اوسه! لوی پروردګار ستا غږ اوري، خو ته داسې انګېرې چې هیڅوک یې نه اوري، نو هغه ذات ته د دعا لاس پورته کړه!

اې لویه پروردګاره! کله چې زه د یو کار ترسره کول غواړم؛ خو ته ونه غواړې چې هغه ترسره شي؛ نو ما ته د دې ښودنه وکړه تر څو پدې کار له تا ناراضه او خواشینی نه‌شم.

اې لویه پروردګاره! ما ته ښودنه وکړه تر څو ستا له پرېکړې وروسته بیا ځان ستړی نکړم. ما ته د دې توفیق را په برخه کړه، تر څو پوه شم چې زه ستا پر وړاندی له دې څخه هم د غوره نیکی مستحق یم؛ نو ځکه خو تا را ته په دنیا کې دا کار و نه‌لیکه.

اې زما پروردګاره! ما ته ښودنه وکړه تر څو ستا په خوښه نېکمرغي زما په برخه شي، ما ته د صبر ښودنه وکړه، تر څو ستا د نېکې بدلې او غوره اجر د ترلاسه کولو لپاره سترګې په لاره اوسم.

اې زما پروردګاره! ما ته دا پوهه را کړې چې د درد او غم انتظار، د شپې د وروستۍ برخې په څېر وي، چې له هغې وروسته ضرور د خوښیو رون سهار څرک وهي.

اې زما لورونکیه ربه!

ما ته ښودنه وکړه تر څو ستا له خوښې سره سم ژوند تېر کړم، داسې تن او وجود را په برخه کړه، چې له تا سره بې کچې مینه ولري او پر دې باور ولري چې ته پرې رحمېږې او هیڅکله یې هم نه رسوا کوې.

اې پروردګاره!

ما ته توفیق را کړې تر څو د ژوند په دې اوږده لاره مزل وکړم، خو د خپلو تېروتنو څخه وېره ونه لرم؛ او نه هم د چا د سپېرو او ستغو خبرو څخه وېره ولرم.

اې لویه پروردګاره! ما ته د دې پوهه را په برخه کړه، تر څو یوازې له تا څخه وېره ولرم او یوازې ستا د رضا د ترلاسه کولو تلوسه راسره وي او له تا پرته له بل چا طمعه ونلرم.

اې پروردګاره! ما پر دې پوه کړه چې ته له ما سره یې! او زه ستا په بنده‌ګانو کې بل هیچاته اړ او محتاج ونه اوسم.

اې زما پروردګاره! ما ته پوهه را کړه او په نېکیو کې راته برکت واچوه!

ژباړه: محمد خالد ملکزی

اصلاح ملی را از اینجا بدست آورید:

کابل: تایمنی، چهارراهی حاجی محمد داد، سرک ۴، دفترمرکزی جمعیت اصلاح . موبایل: ۰۷۸۰۷۴۱۳۱۲

کابل: کوته سنگی، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتشارات اصلاح افکار. موبایل: ۰۷۷۸۱۹۱۳۸۲

کابل: شهرنو، چهارراهی انصاری، کتاب فروشی رسالت. تیلفون : ۰۴۰۲۲۰۳۳۵۹

کابل: انتشارات مستقبل مقابل بلاک های شاداب ظفر

کابل: کمپیوتر فروشی اکاموي جاده نادر بشتون، مارکت الله نظر، منزل ۲ دوکان ۲۳ ، موبایل ۰۷۹۹۳۹۰۸۱۹

کابل: ده افغانان، کتاب فروشی بیهقی

کابل: انتشارات بنیاد علمی و فرهنگی مسجد جامع پل خشتی موبایلها: ۰۷۹۹۰۱۱۱۱۱ / ۰۷۵۲۲۲۲۲۲۲

ننگرهار: جلال آباد، چهل متره سړک، د سید اکرام دوکانونه، د ماشومانو زوړ مسجس ته څېرمه د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر. ټیلفون:۰۷۰۰۶۳۲۴۸۰

ننگرهار: جلال آباد: اسحاقزی مارکیټ، لاندې منزل، اصلاح افکار. ټیلیفون:۰۷۹۳۷۷۸۸۸۱

کندهار: نوی بنار، د هرات سړک، د سړې جامع غرب طرف ته سوري مېنه د امام ابوحنیفه (رح) تعلیمي او کلتوري مرکز د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر. ټیلفون: ۰۷۰۵۲۳۰۵۸۳

لغمان: مهترلام بنار، حمزه مارکیټ. ټیلیفون: ۰۷۷۵۶۷۶۰۹۹

هرات: سرک باغ آزادی، ابتدای جاده محبس ابن سینا۱ انجمن اخلاق و معرفت . موبایل:۰۷۸۵۲۶۳۷۷۳ - ۰۴۰۲۳۷۰۱۲

بلخ: گذر استالفی ها، عقب لیسهٔ خانه نور، دفترساحوی جمعیت اصلاح. موبایل: ۰۷۸۸۸۰۴۰۵۵

کندز: شهرکندز، جاده ولایت، کوچه حاجی میری، پوهنتون سلام. ۰۷۸۷۷۰۳۷۲۴

بغلان: پلخمری، مارکیت اتفاق کتاب و قرطاسیه فروشی رسالت موبایلها: ۰۷۷۷۴۷۶۴۶۹ / ۰۷۰۰۵۸۹۸۵۷

لوگر: محمد آغه، واغجان بازار، پهلوی کلینیک حسین خیل . موبایل: ۰۷۷۵۴۳۸۷۶

لوگر: مرکز ، مدینه مارکیت سرک مسجد جامع ، کتاب فروشی سادات،سید عبدالحمید هاشمی.موبایل: ۰۷۰۰۴۴۹۸۸۱

پکتیا: دگردیزبنار، مرکزی چوک ، دنی نمایندگی . وحیدالله:۰۷۷۹۲۱۳۸۲۲

خوست : افغان ټاور شاته، خوست مرکزي طبي لابراتوار دوهم پوړ د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر:۰۷۹۹۱۷۴۵۴۶ / ۰۷۷۷۱۷۴۵۴۶

تخار: آموزشگاه علمی رسالت- واقع چهار راهی تیل فروشی- تیل فروشی سابقه. ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲

بدخشان: فیض آباد: ۰۷۰۷۸۳۱۳۶۴ / ۰۷۷۵۲۷۰۵۰۸

زابل: قلات، عمومی جاده، د تجارانو کوڅه د غوثي رهنمای معاملات ترخنگ، شمبره: ۰۷۷۳۵۸۰۲۰۹ / ۰۷۰۶۵۲۷۱۸۶

فراه: ناحیه سوم، مقابل مسجد جامع قاضی، مرکز علمی و فرهنگی توحید. موبایل: ۰۷۹۹۸۴۳۶۱۱

نیمروز: شهر زرنج، کوچه‌ی افغانستان بانک، جنب ریاست زراعت، دفتر جمعیت اصلاح: ۰۷۹۶۳۰۹۱۴۰

قیمت یک شماره ۱۰ افغانی

جمعیت اصلاح افغانستان

بخش فرهنگی و نشرات

هفته نامه اصلاح ملی

داسلام داصیل فهم منبر

Email:eslahmilli@gmail.com

مدیر مسؤول

محمد شعیب قریشی

اعضای هیأت تحریر:

نقیب الله حمید
سردارمحمد دیندارخیل
رحیم الله حریفال
عزیزاحمد حنیف
وحید الله مصلح
عبدالوهاب هائد

شماره مسؤول توزیع: ۰۷۸۰۷۴۱۳۱۲

آدرس بانکی: جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان
نوی کابل بانک
A/c No: 1001202080036 (Afghani)

آدرس بانکی: جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان
نوی کابل بانک
A/c No: 1001201080036 (Dollar)

سرمقاله

نگرانی از پرچوی برق

هر سال بیش از سال قبل...

در کنار نگرانی‌های ناشی از جنگ، خشونت، نا امنی و بیکاری، از چند سال بدینسو، آمد آمد زمستان و پرچوی برق در کابل و برخی کلان شهرهای دیگر کشور، ملیون‌ها باشنده‌ی این سرزمین را می آزارد و به اضافه‌ی چالش‌های موجود، مردم همین سهولت نسبی را که از اثر موجودیت برق در خانه‌ها و دفاتر و کارخانه‌ها دارند، از دست می‌دهند.

شکایت مردم از پرچوی برق، امسال بیش از سال‌های قبل بوده و اکثر مردم از درازمدت بودن زمان پرچوی و توزیع غیر عادلانه‌ی برق در میان شهروندان، شکوه سر می‌دهند و مسئولان شرکت برشنا را که از متصدیان امور مربوطه می باشند، به بی توجهی و بی انصافی متهم می کنند.

هرچند متصدیان امور در شرکت برشنا، بارها این پرچوی درازمدت برق را به فشار زیاد بالای لین‌ها و ابزار الکترونیکی مربوطه به سبب بلند رفتن هجم مصرف برق در زمستان و همچنان به کم شدن برق از محل تولید در تاجکستان ربط داده و نیازمندی افغانستان به برق را چندین برابر بیشتر از برق وارداتی کنونی عنوان کرده اند؛ اما در کنار آن، بعضاً دیده شده است، که مسئولان شرکت برشنا، در توزیع برق و جمع آوری محصول آن برخورد دوگانه داشته و مدیریت چندانی درین امر از خود نشان نداده اند.

عوامل عمده‌ی که تا کنون توانسته است بر روند توزیع برق اثر بگذارد، بدون شک یکی هم همین توزیع غیرعادلانه‌ی برق میان طبقات مختلف مردم و دیگر عدم همکاری مردم به ویژه زورمندان در رابطه به پرداخت به موقع تکس برق است که هم فشار بیشتر را در استفاده از برق بالای وسایل الکترونیکی و لین‌های برق وارد می کنند و هم صرفیه‌های برق را به موقع مناسب نپرداخته و باعث اخلال در تقسیم برق و استفاده از آن می‌شوند.

چالش بی برقی در کابل و شهرهای بزرگ کشور، در حالیست که ده‌ها پروژه با هزینه‌های هنگفت در اینجا و آنجا به منظور تولید برق آبی و آفتابی و وارداتی طی چند سال گذشته و به خصوص در همین یک سال اخیر به بهره برداری سپرده شده است، که بخشی از انتظارها در رابطه به افزایش انرژی در افغانستان به این پروژه‌ها وابسته بود.

با این وصف، معضل پرچوی برق و اخلال روال زنده‌گی عادی مردم، به ویژه قشر متوسط و پایین جامعه به لحاظ اقتصادی، در حالی همه ساله به‌گونه‌ی رو به افزایش پیش می‌آید، که متصدیان امور، ضمن اینکه وعده‌های طویل و عریضی در پیوند به واردات برق بیشتر به کشور و دسترسی بیشتر مردم به برق و خدمات الکترونیکی بعد از قرارداد برق با ترکمنستان را به مردم داده بودند؛ از رفع مشکل پرچوی برق در کابل نیز به مردم وعده‌هایی داشتند. اما آنچه در عمل دیده شد، خلاف وعده‌های بود که در کنار صدها و عده‌های به نسیان رفته به بخشی از آرمان‌های نسلی پس از نسل مبدل شده است.

هرچند توقع آبادی و عمران و امنیت و رفاه، از هرم نا مطلوبی به نام حکومت وحدت ملی، فراتر از یک آرزو نیست و داشتن این انتظار را جز تجاهلی بر روند نظام داری در افغانستان نمی‌شود دانست؛ اما از آنجایی که تأمین رفاه و آسایش در هر کشوری از مکلفیت‌های دولت‌ها و حکومت‌هاست، گاهی خواسته و یا نخواسته این گلایه از هر زبان و قلمی انعکاس می کند که چرا حکومت توجهی به این مسئولیت خود ندارد؟!

زیرا این مشکل (نامنظم بودن و پرچوی برق) نه تنها که برای ساعات طولانی هر شب و روز، چراغ‌ها و ابزار الکترونیکی را در خانه‌های مردم خاموش نگه می‌دارد؛ بل ده‌ها چرخه‌ی اقتصادی دیگر در فابریکه‌ها نیز، مختل شده و هزاران انسان بی‌کار و بی روزگار می‌شوند که این امر به نوبه‌ی خود، می‌تواند صدمه‌ی بزرگی به اقتصاد این کشور وارد کند.

روی همرفته، با همه وضعیت نا بسامانی که کشور شاهد آن است و درد و مشقتی که ملت هر روز با گوشت و پوست و مغز و استخوان تجربه می کند، خیلی شایسته نیست که مشکلی بر مشکل افزوده و خویشتن محوری و کشمکش‌های سیاسی قومی و درون گروهی بر بالای آرمان‌ها و خواسته‌های برحق مردم سایه افگند؛ چنانچه تا حال دیده شده است.

بی‌اعتمادی روز افزون در روابط افغانستان و روسیه

مرکز مطالعات استراتژیک ومنطقوی

رئیس جمهور افغانستان هفتهٔ گذشته در سخنرانی‌اش در ولایت پکتیا، برای نخستین بار روسیه را رسما به حمایت طالبان متهم کرد و گفت: «طالبان از کسانی کمک دریافت می‌کنند که خون یک‌ونیم میلیون افغان را ریخته‌اند». هرچند رئیس جمهور غنی از کشوری نام نبرد، اما هدف سخنان وی اشاره به روسیه بود.

رئیس جمهور غنی این اظهارات را در مراسم همدردی با خانواده‌های قربانیان حملهٔ طالبان بر قوماندانی ولایت پکتیا ابراز داشت که در پی آن به شمول قوماندان امنیهٔ این ولایت، نزدیک به ٦٠ تن کشته و حدود ٢٣٦ تن دیگر زخم برداشتند.

گرچند پیش از این نیز مقام‌های افغان و امریکایی از جمله ریکس تیلرسن وزیر خارجهٔ ایالات متحده، روسیه را به کمک نظامی با طالبان متهم کرده بود، ولی این نخستین بار است که بلندترین مقام حکومت افغانستان روسیه را به پشتیبانی گروه طالبان متهم می کند .

وزارت خارجهٔ روسیه در واکنش سخنان رئیس جمهور افغانستان، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که مسکو، افغانستان را به عنوان یک کشور دوست می‌بیند و اینگونه اظهارات از شخص اول افغانستان برای آنان «قابل قبول» نیست.

در این تحلیل روابط کابل-مسکو، روابط دو کشور پس از روی‌کار آمدن حکومت وحدت ملی و تنش‌های اخیر در این روابط، مورد بررسی قرار گرفته است.

روابط کابل-مسکو

در قرن نوزدهم میلادی افغانستان به میدان رقابت «بازی بزرگ» انگلیس‌ها و روس‌ها تبدیل شد. در قرن بیستم میلادی روسیه به یکی از کمک‌کننده‌گان مهم خارجی در عرصهٔ اقتصادی و نظامی برای افغانستان مبدل گردید و از سال ۱۹۵۴م تا سال ۱۹۷۸م در بخش‌های اقتصادی و نظامی بیش از یک میلیارد دالر به افغانستان کمک نمود. در این زمان نیز افغانستان به میدان رقابت‌های قدرت‌های بزرگ جهان تبدیل شده بود؛ اما این بار به جای انگلیس‌ها در مقابل روس‌ها، امریکایی‌ها قرار داشتند.

روس‌ها تا سال ۱۹۹۱م با حکومت‌های متحد و هم‌فکر خود در افغانستان کمک می‌کردند؛ ولی زمانیکه در افغانستان شکست خوردند، استراتیژی خود را در قبال این کشور تغییر دادند و در ماه نوامبر همین سال از جملهٔ هفت تنظیم مجاهدین افغان، نماینده‌گان چهار تنظیم که در رأس آن‌ها استاد برهان الدین ربانی قرار داشت، با بوریس یلتسین رئیس جمهور وقت روسیه در مسکو دیدار و توافق کردند که در مقابل آزادی اسیران روسی از سوی مجاهدین، مسکو مشاورین خود را از کابل بیرون می‌کند و نیز از همکاری با حکومت داکتر نجیب الله دست می‌بردارند. باوجود تقویت همکاری‌های روسیه با مقام‌های مجاهدین پس از سقوط رژیم داکتر نجیب الله، جنگ‌های داخلی در افغانستان آغاز شد، تا این‌که در اگست ۱۹۹۲ سفارت روسیه نیز در کابل بسته شد، اما روابط دیپلوماتیک مسکو با رژیم مجاهدین از طریق قنسولگری روسیه در مزارشریف تا زمان بسته شدن آن در سال ۱۹۹۷م ادامه یافت. از آن ببعد نیز روسیه یکی از حامیان اصلی «ائتلاف شمال» که از مخالفان قوی طالبان بود، باقی ماند.

پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، مسکو نه تنها اینکه از سیاست ضد طالبانی واشنگتن حمایت کرد، بلکه برای ادامهٔ عملیات نظامی علیه طالبان، بر همکاری‌های گونه‌گون از جمله ترانزیت نظامیان امریکایی، همکاری‌های اطلاعاتی و سایر همکاری‌های سیاسی، با ایالات متحده امریکا موافقت کرد.

پس از سال ۲۰۰۱م تا دورهٔ دوم ریاست جمهوری حامد کرزی روابط دو کشور عادی بود، ولی در دورهٔ دوم حامد کرزی به دلیل مخالفت‌های او با واشنگتن، این روابط گرم‌تر و رفت‌وآمدهای مقام‌های افغان به روسیه، بیشتر شد.

حکومت وحدت ملی و روابط با روسیه

با روی‌کار آمدن حکومت وحدت ملی، کابل در تلاش اجماع منطقوی در امر مبارزه با

افراط‌گرایی و «تروریزم» برآمد. برای دستیابی به همین هدف، رئیس جمهور غنی و حنیف اتمر مشاور امنیت ملی وی، سفرهایی به روسیه نیز داشتند و روس‌ها نیز دست همکاری را به افغانستان دراز کرد.

حکومت افغانستان گمان می‌کرد که ناامنی‌ها در شمال کشور و آغاز فعالیت گروه «دولت اسلامی» در افغانستان می‌تواند موجب ترغیب روس‌ها به کمک‌های نظامی بیشتر با افغانستان گردد، اما بالعکس مسکو بر مبارزهٔ حکومت افغانستان با جنگجویان داعش در افغانستان مشکوک شد و به دلیل نزدیکی روابط با طالبان، روابط کابل-مسکو روبه خرابی گذاشت.

باآنکه در سه سال گذشته مقام‌های بلندرتبهٔ دو کشور سفرهای رسمی به کابل و مسکو نیز داشتند، ولی این روابط از بی‌اعتمادی‌ها بیرون نشد. نشست سه‌جانبهٔ روسیه-چین-پاکستان که در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۶ بدون حضور نماینده‌ای از حکومت وحدت ملی روی قضیهٔ افغانستان در مسکو برگزار گردید، نشانگر بی‌اعتمادی روز افزون میان افغانستان و روسیه بود و در ادامهٔ این بی‌اعتمادی‌ها اکنون سخنان اخیر رئیس جمهور غنی مبنی بر حمایت روسیه از طالبان و واکنش تند روسیه به اظهارات وی، این روابط را بیش از پیش وخیم‌تر ساخت.

تنش‌ها در روابط کابل- مسکو

حکومت وحدت ملی زمانی در افغانستان تشکیل یافت که گروه «دولت اسلامی» با اعلام «خلافت» در اوج نفوذ خود در عراق و سوریه بود. ولادمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در اواخر سال ۲۰۱۴ از احتمال نفوذ گروه داعش در افغانستان ابراز نگرانی کرد و بعدا همین قضیه (حضور جنگجویان داعش در افغانستان) باعث تیره‌گی روابط و بی‌اعتمادی‌های عمیق در روابط میان دو کشور گردید. در طول دو سال گذشته مقام‌های روسی مکررا از حضور جنگجویان این گروه در افغانستان ابراز نگرانی می‌کنند. نگرانی‌ها و بی‌باوری‌های روسیه زمانی بیشتر شد که به قول برخی مقام‌های محلی حکومت و اعضای پارلمان، طیاره‌های ناشناس در مناطق تحت نفوذ این گروه نشست کرده‌اند.

مقام‌های روسی، به خصوص نمایندهٔ خاص روسیه در افغانستان، مکررا سیاست‌های امریکا در امر مبارزه با «تروریزم» و در مجموع سیاست‌های آن کشور در منطقه را، مورد انتقاد قرار داده است. روسیه در واکنش به اعلام استراتیژی جدید امریکا برای افغانستان و آسیای جنوبی نیز، این استراتیژی را تأسف‌بار خواند و گفت که طرح اعلام شده از سوی رئیس جمهور دونالد ترامپ یک «رویگرد بیهوده» است.

در جانب دیگر، ناتو و امریکا، روسیه را به حمایت از طالبان متهم می‌کند و مقام‌های افغان و امریکایی نگران روابط روسیه و طالبان اند. به تازه‌گی روزنامهٔ تایمز (The Times) گزارش داده است که روسیه به شرکت‌های وابسته به طالبان در افغانستان تیل می‌فرستند و طالبان با فروش این تیل، هر ماه به ارزش دو نیم میلیون دالر پول به دست می‌آورند و با آن سلاح و مهمات خریداری می‌کنند.

ریکس تیلرسن، وزیر خارجهٔ امریکا در ماه اگست سال جاری میلادی اظهار داشت که روسیه طالبان را مسلح می‌کند که واضحاً نقض اصول بین‌المللی است. وزیر خارجهٔ روسیه اما گفت که هیچ مدرکی در مورد همکاری روسیه با طالبان تاهنوز ارائه نشده است. وی قبول کرد که روسیه تنها در بارهٔ مصونیت اتباع روسیه و نیز تشویق طالبان به مذاکرات صلح با دولت افغانستان، با طالبان در تماس است.

ضمیر کابلوف نمایندهٔ خاص روسیه برای افغانستان در ماه جولای سال روان میلادی گفت که اگر دولت افغانستان و امریکا در مبارزه با گروه «دولت اسلامی» در افغانستان ناکام شوند، مسکو در این مورد بی‌تفاوت نخواهد ماند و به گزینهٔ نظامی متوسل خواهد شد. چیزی که تصویر مبدل شدن افغانستان به میدان جنگ امریکا و روسیه را با خود دارد. حکومت افغانستان نیز در واکنش به اظهارات این مقام روسی، هشدار داد که داشتن هر نوع تماس با گروه‌های «تروریستی» از سوی هر کشوری، می‌تواند وضعیت را در منطقه خطرناک کند.

نتیجه‌گیری

روابط افغانستان و روسیه از سه سال به این‌سو روبه خرابی نهاده است. هرچند قضیهٔ حضور جنگجویان گروه داعش در افغانستان روی این روابط تاثیر گذاشته، ولی در کل روسیه در یک جنگ سرد با ایالات متحده در افغانستان درگیر است.

روابط روسیه با طالبان یک حقیقتی است که نه تنها مقام‌های افغان و امریکایی در مورد آن سخن گفته، بلکه روس‌ها و طالبان نیز آنرا می‌پذیرند، ولی حکومت افغانستان و امریکایی‌ها به صورت عمدی در مورد روابط روسیه و طالبان مبالغه می‌کنند و این قضیه بیشتر جنبهٔ تبلیغاتی دارد. مقام‌های روسی نیز در این مورد اظهارات ضد و نقیض داشته‌اند، ولی در کل از همکاری‌های نظامی روسیه با این گروه انکار می‌کنند و تماس‌های خویش را به تلاش‌ها برای حل مسالمت‌آمیز قضیهٔ افغانستان، جلوگیری از نفوذ و پیشروی جنگجویان گروه داعش به آسیای میانه و مصؤنیت دیپلومات‌های شان در افغانستان، توجیه می‌کنند.

در حال حاضر و پس از سخنان اخیر رئیس جمهور غنی، به نظر می‌رسد بی‌اعتمادی‌ها در روابط کابل-مسکو افزایش خواهد یافت، چون روسیه بدون شک از جنگ سرد با امریکا در این کشور عقب نخواهد رفت و این وضعیت به زیان افغانستان و پیچیده‌تر شدن هرچه بیشتر قضیهٔ افغانستان می‌انجامد.

کابل–ډهلي اړیکې
آیا اسلام آباد تر فشار لاندې دی؟

افغان ولسمشر تېره اوونۍ نوي ډهلي ته په یو ورځني رسمي سفر ولاړ او هلته یې د هند له لومړي وزیر نرېندرا مودي، ولسمشر «رام نات کووېند» او د بهرنیو چارو وزیرې سوشما سواراج او نورو جګپوړو هندي چارواکو سره وکتل.

دا سفر کابل-اسلام‌آباد-نوي‌ډهلي ته د امریکا د بهرنیو چارو وزیر ریکس ټیلرسن له سفر سره هم‌مهاله و. له ولسمشر غني یوه ورځ وروسته (د اکتوبر په ۲۵مه) د امریکا د بهرنیو چارو وزیر هم نوي ډهلي ته ولاړ او هلته یې له هندي چارواکو سره د افغانستان پر قضیه د خبرو اترو ترڅنګ، پر پاکستان هم سختې نیوکې وکړې. د امریکا د بهرنیو چارو وزیر یو ځل بیا ټینګار وکړ، چې له پاکستان سره د دوی مرستې به له سختدریځو ډلو سره د پاکستان پر اقداماتو پورې مشروطې وي.

د افغانستان څو ولایتونه په تېرو دوو اوونیو کې د خونړیو بریدونو شاهد وو، چې له کبله یې نږدې ۱۵۰ تنه ووژل شول او تر ۳۰۰ زیات ټپیان شول. د دغه راز پېښو پر مهال افغان حکومت تل پاکستان ته د ملامتۍ ګوته نیسي.

د ولسمشر له دغه سفر وروسته د پاکستان د بهرنیو چارو وزیر هم پر افغانستان او هند تور پورې کړ، چې په ګډه د پاکستان د بې‌ثباتۍ کولو لپاره هڅې کوي.

دا چې د افغانستان لپاره د ټرمپ د تګلارې له اعلان وروسته د کابل-اسلام‌اباد-نوي ډهلي اړیکې په کوم لوري روانې او راتلونکې به یې څه وي؟ دلته پرې شننه کوو.

د افغانستان-هند نږدې کېدونکې اړیکې

هند که څه هم تل له افغانستان سره ښې اړیکې لرلې دي او د حامد کرزي په دواړو دورو کې هند او افغانستان نږدې پاتې شول؛ په ۲۰۱۱ کال کې د دواړو هېوادونو ترمنځ ستراتېژیک ټرون هم لاسلیک شو؛ خو د ملي یووالي حکومت له راتګ وروسته د پاکستان په لور د اشرف غني د نږدې کېدو له کبله، دا اړیکې د څه مودې لپاره سړې شوې.

دا دوه‌اړخیزې اړیکې که څه هم د ملي یووالي حکومت له لومړیو څو میاشتو راوروسته بېرته د نږدې کېدو په لور وې، خو د افغانستان لپاره د ټرمپ د تګلارې له اعلان وروسته دا اړیکې د بل هر وخت په پرتله تودې شوې. هند غواړي په افغانستان کې د نرم ځواک له لارې خپل رول ولوبوي. له همدې کبله هند په افغانستان کې د بیارغونې ګڼې پروژې پلې کړې او په ټوله کې یې له افغانستان سره بېلابېلو پروژو کې، کابو درې ملیارده ډالره مرستې کړې دي.

په اوسني وخت کې چې پاکستان په نړیواله کچه تر فشارونو لاندې دی، هند هم له فرصت څخه په استفادې سره هڅه کوي، پاکستان نور هم منزوي کړي. د سیاسي ډګر ترڅنګ نوی ډهلی او کابل دواړه په اقتصادي او سوداګریز ډګر کې هم، د پاکستان د منزوي کولو هڅه کوي. نرېندرا مودي له ولسمشر غني سره په ګډه غونډه کې خوښي څرګنده کړه، چې دا مهال کندهار، هرات او مزارشریف د هوا له لارې له نوي ډهلي سره تړل شوي او ټینګار یې وکړ، چې هند د چابهار بندر د فعالیت د پیل په اړه هم جدي کار کوي.

د دې ترڅنګ، افغان ولسمشر په هند کې یوې غونډې ته په وینا کې ګواښ وکړ، که پاکستان د واګې بندر له لارې له هند سره د افغانستان د سوداګرۍ مخه نیسي، کابل به هم منځنۍ اسیا ته د افغانستان له لارې د پاکستان د سوداګري مخنیوی وکړي. ولسمشر غني په دې وروستیو د یوه حکم په صادرولو سره افغانستان ته د پاکستاني لاریو پر تګ هم بندیز ولګاوه. تېره میاشت د افغانستان د اجرائیه رئیس په سفر کې هم پر اقتصادي اړخ زیات تمرکز وشو او په هغه سفر کې ۲۰۰ سوداګر له نوموړي سره ملګري وو. هند هم د افغانستان په ۳۱ ولایتونو کې د ۱۱۶ مهمو پروژو د پیلولو ژمنه وکړه.

په اوسني وخت کې داسې برېښي، چې افغانستان او هند دواړه غواړي د سیمه‌ییزو ملګرو په توګه د اړیکو په پیاوړتیا سره، د پاکستان د دریځ پر وړاندې مبارزه او پر پاکستان د فشارونو زیاتولو لپاره ګډ کار وکړي.

په افغانستان کې د هند زیاتېدونکی رول

د افغانستان او سیمې لپاره د ټرمپ ستراتېژي د اوباما له ستراتېژۍ سره په ځینو برخو کې ورته‌والی او په ځینو برخو کې بیا ژور بدلون لري. که څه هم د اوباما په ستراتېژۍ کې ویل شوي وو، چې سخت‌دریځې ډلې په پاکستان کې خوندي ځالې لري، خو پر پاکستان د اوس په څېر فشارونه نه وو.

ډونالډ ټرمپ بیا د افغانستان او سوېلي اسیا لپاره په خپله تګلاره کې په افغانستان کې د هند د رول پر زیاتولو ټینګار وکړ. همدا لامل دی، چې د افغانستان د ولسمشرۍ ماڼۍ ویناپاڼه د ولسمشر د وروستي سفر په تړاو کاږي: «دواړو مشرانو د افغانستان او سیمې لپاره د امریکا د نوې ستراتېژۍ له اعلان وروسته په رامنځته شوو فرصتونو خبرې وکړې او هغه یې د سیمې د ثبات لپاره مهم وبلل.» په افغانستان کې د هند رول زیاتولو په موخه، دغه هېواد ته د امریکایي او افغان چارواکو سفرونه زیات شول او په یوه میاشت کې د افغانستان اجرائیه رئیس، د بهرنیو چارو وزیر او ولسمشر هند ته په رسمي سفرونو ولاړل.

هند که څه هم دغه وضعیت ته د یوه فرصت په سترګه ګوري، خو بیا هم د افغانستان په تړاو د پاکستان حساسیت په پام کې لري. د پاکستان لومړي وزیر شاهد خاقان عباسي په امریکا کې د وینا پر مهال په افغانستان کې د هند له پوځي رول سره کلک مخالفت وکړ. که څه هم، نوي ډهلي ته د افغانستان د اجرائیه رئیس په سفر کې د افغان ځواکونو د روزنې او درملنې په تړاو یو هوکړه‌لیک لاسلیک شو؛ خو هند په اوسني وخت کې نه غواړي په افغانستان کې پوځي رول زیات کړي. له همدې کبله د هند دفاع وزیرې تېره میاشت د امریکا له دفاع وزیر جیمز متیس سره په ګډ کنفرانس کې وویل: «هند به هېڅکله هم افغانستان ته پوځیان ونه لېږي.»

هند ته د ولسمشر وروستی سفر

پر پاکستان د وروستیو فشارونو په اوج کې، د پاکستان لوی درستیز قمر جاوېد باجوه کابل ته د دغو فشارونو د کمولو په موخه سفر وکړ او له افغان چارواکو سره یې په ملاقاتونو کې له یوې خوا د ځلورارخیزو خبرو اترو پر بیا پیل هوکړه وشوه او ترڅنګ یې پاکستان ته د ولسمشر غني د احتمالي سفر خبرونه هم خپاره شول.

له دغه سفر وروسته د تلې په ۲۵مه د هند د لومړي وزیر د ملي امنیت سلاکار اجیت دووال افغانستان ته په سفر کې، ولسمشر غني ته د هند د سفر په تړاو د نرېندرا مودي بلنه هم وسپارله. د هند د ملي امنیت د سلاکار دا سفر داسې مهال و، چې د افغانستان، پاکستان، چین او امریکا استازي په عمان کې د افغان سولې په تړاو په خبرو اترو بوخت وو.

د ولسمشر غني دا سفر او بیا داسې مهال چې پاکستان ته یې د سفر خبرونه هم خپاره شول، د پاکستان د منزوي کولو د هڅو یوه برخه وه. نرېندرا مودي له اشرف غني سره په ملاقات کې وویل: «د سیمې هېوادونه باید له ترهګرۍ سره صادقانه مبارزه وکړي او د ترهګرو پټنځایونه له منځه یوسي.»

دغه سفر پر پاکستان د فشارونو زیاتولو په برخه کې رول ولوباوه. له همدې کبله، له دغه سفر وروسته د پاکستان د بهرنیو چارو وزیر خواجه اصف د اکتوبر په ۲۶مه د پاکستان د ملي اسامبلۍ د بهرنیو اړیکو کمېټې ته د وینا پر مهال ادعا وکړه، چې د هند استخباراتي اداره او د افغانستان د ملي امنیت اداره دواړې د پاکستان د بېثباتۍ کولو هڅې کوي. کوم تور چې د افغانستان ولسمشرۍ ماڼۍ رد کړی دی.

په افغان-پاک اړیکو کې د نوې ډهلي کارډ

د افغانستان او پاکستان په دواړخیزو اړیکو کې هند هغه بحث دی، چې تل له دواړو لورو سره مطرح دی. افغانستان او هند دواړه له پاکستان سره ترینګلې اړیکې لري. که څه هم د پاکستان دښمني له هند سره ژوره ده، چې له کبله یې د افغانستان په تړاو د دغه هېواد پر بهرني سیاست هم سیوری غوړولی؛ مګر کابل-اسلام‌اباد که څه هم په ځینو وختونو کې ښې اړیکې پاللې دي، خو په ټوله کې دا دواړخیزې اړیکې متزلزلې او تل د بېباوریو ښکار دي.

له نوییمې لسیزې راهیسې کابل د هند او پاکستان ترمنځ د یو شمېر لاملونو له کبله په اړیکو کې توازن نه دی ساتلی. په ځانګړي ډول دا اړیکې بیا د ملي یووالي حکومت له جوړېدو راوروسته متوازنې نه وې. کله چې له اسلام‌اباد سره د کابل اړیکې رغېدلې، له نوي ډهلي سره یې اړیکې سړې شوې او کله چې له اسلام‌اباد سره اړیکې خرابې شوې، نوي ډهلي ته نژدې شوی دی. ځکه نو په کابل-اسلام‌اباد اړیکو کې د نوي ډهلي کارډ اسلام‌اباد اندېښمن کړی او تل یې د هند او افغانستان له اړیکو اندېښنه لرلې ده. اسلام‌اباد به د خپل ستراتېژیک عمق تګلارې له کبله هڅکله هم د افغانستان-هند نږدې اړیکې ونه شي زغملی.

د کابل له لوري بیا د کابل-اسلام‌اباد اړیکې د عملي همکاریو او د کړیو ژمنو تر پلي کېدو پورې تړاو لري؛ خو په اوسني وخت کې هم افغانستان ته ښایي، چې له هند سره نژدې کېدونکې ملګرتیا د سیمې له حساسیتونو سره سمه مدیریت کړي او دا ملګرتیا په افغانستان کې د لا زیاتې بېثباتۍ لامل نه شي.

بر میانمار و اقلیت‌های مسلمان چه می‌گذرد؟

صلاح القادری، استاد انستیتیوت علوم انسانی پاریس

تصویرهایی صدها جسد ورم کرده‌ی مسلمانان میانمار بر روی دریاچه‌ی که سرحد بین میانمار و بنگله دیش را تشکیل می‌هد، به منظر عام آمد؛ عکس‌هایی از قطارهای بزرگ رانده شده‌گانی به نمایش گذاشته شد، که از وطن اصلی خویش مجبور به فرار شده اند، تا یک‌بار دیگر خاطره‌ها و یاد گارهایی را زنده سازند که در اذهان مسلمانان ته نشین شده است، یادگارهایی از اجساد اطفال عراقی را دوباره زنده سازد، که به وسیله‌ی بم‌های آتش افروز امریکایی در اردوگاه عامریه به ذغال مبدل شدند، دردهایی از غزه و اطفال این دیار را زنده سازد، که تحت بمباردمان اسرائیلی به خاک و خون افتادند، تصویر هزاران طفلی را در خاطره‌ها زنده سازد، که در سربرنیتسا، بوسنیا و هرزگوینا و سایر مناطق مسلمین کشته شدند....

و در خاطر هر انسان با وجدانی این سؤال را مطرح سازد، که تمام این جنایات بر ضد مسلمانان صورت می‌گیرد؛ اما مؤسسات بین المللی خاموشانه به تماشای آن نشسته اند. تجلیات این تماشاگری چیست؟ چه اسبابی در ورای آن قرار دارد؟ آیا واقعاً ناتوان اند، یا این‌که در یک توافق سری قرار دارند؟!

گرچه ارائه‌ی جواب کامل و فراگیر در برابر این سوال تا حدی مشکل به نظر می‌رسد؛ زیرا این سوال به قضایای مختلفی که اسباب و عوامل مختلف زمانی و مکانی در ورای آن قرار دارد، بر می‌گردد، و به عواملی مربوط می‌شود، که این قضایا را شکل داده و تحت فرمان خود دارد. اما این امکان وجود دارد، تا در قضیه‌ی معینی که خصایص جیوسیاسی و جیواستراتیژی خاصی گرد هم آمده و قضیه را به شکلی درآورده است، می‌توان تا حدی آن را تفسیر نموده و از خلال واقعیت‌های سیاسی، آنرا تحت تدقیق و پژوهش قرار دهیم.

مصیبت مسلمانان میانمار از جمله‌ی همین قضایا است و ویژه‌گی‌های جیوسیاسی و جیو اسراتیژی آن به قدری روشن است، که هر مدققی می‌تواند بعضی تجلیات و اسباب خاموشی و تماشاگری موسسات بین المللی را در برابر مصیبت‌ها و کشتارهایی که بر ملت مسلمان آن سرزمین روا می‌دارند، درک نماید

۱- نظام سیاسی و بازی مصالح:

هر نظامی می‌خواهد خاموشی مؤسات بین المللی را بدست آورد، بالایش واجب و لازم است که بازی مصالح را در مستوای داخلی و خارجی به خوبی و با مهارت کامل بازی نماید.

لذا درک معادله‌ی صحنه‌ی سیاسی که در میانمار حاکم است، نیاز به درک مواقف گذشته و فهم و قناعت‌های سیاسی‌ای دارد، که اطراف ذیدخل درین معادله را به حرکت می آورد و تمام جوانب این قضیه می‌خواهند که بیشترین مصالح خود را ازین بازی بدست آورده و دست آوردهایی که دارند، تا اخیر بازی حفاظت نمایند. همچنان هر کدام آنها در مساحه‌ی حرکت می‌کنند که به صورت ضمنی و غیر اعلان شده، روی آن توافق صورت گرفته است، تا عدم تصادم بین اطراف مختلف درین قضیه را تضمین نماید.

در حال حاضر، صحنه‌ی سیاسی میانمار را سه جهت قوی تحت سیطره داشته و به حرکت می آورد؛

اول: آن نظام حاکم است که از ائتلاف بین سلطه‌ی نظامی، که ممثل آن رئیس سابق این کشور و صاحب قدرت آهنین است و سلطه‌ی دینی که ممثل آن، راهب مشهور بودایی «ویراتو» است که در خطابه‌های نژاد پرستانه و تحریک کننده‌ی او بر ضد مسلمانان زبان زد عام و خاص است، تشکیل یافته است.

دوم: جناح مدنی است که ممثل آن برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل جهانی «اونگ سان سوچی» است که در انتخابات اخیر موفق گردید.

و طرف سوم این معادله، قوت‌های غربی است، که مصالح اقتصادی و جیواستراتیژی درین کشور داشته و در هر حال می‌خواهند آن را حفاظت نمایند.

باوری که نظام عسکری را به حرکت می آورد، از درک این قضیه سرچشمه می‌گیرد، که ناتوانی او در تشکیل روابط سالم با سوچی سهم بزرگی را در عزلت سیاسی آنها داشته و مشکلات زیادی را ازین ناحیه متقبل شده اند؛ به خصوص قبل از آن که نامبرده را از اقامت جبری آزاد نموده و عملیه‌ی سیاسی را تنظیم نماید.

علاوه بر آن، باور کامل دارد که بزرگ‌ترین اولویت‌هایی که سیاست مداران غربی را به حرکت می‌آورد، مصالح اقتصادی و جیواستراتیژیک کشورهای شان می‌باشد. لذا، به‌جای این‌که راه مصالحه‌ی ملی را در پیش گرفته و هیچ طرف سیاسی و اقلیت‌های دینی و قومی را ازین مصالحه مستثنی نسازد، مصالحه با برنده‌ی جایزه‌ی صلح را ترجیح داد.

همچنان با شرکت‌های غربی مصالحه نموده و دروازه‌های کشور را در برابر سرمایه گذاری شرکت‌های غربی باز کرد، مخصوصاً در بخش انرژی، قرار دادهای مهمی با این کشورها را امضاء نمود.

از سوی دیگر، سهم گیری موسسه‌ی دین بودایی در کشتاری که در حق مسلمانان میانمار صورت گرفت، بر تصویر دین بودایی، به حیث یک دینی که به‌سوی صلح و سلام دعوت می‌کند، تأثیر منفی گذاشت و باعث سرافگندگی و نارضایتی دلایلاما (رهبر بوداییان تبت) در مراجع بین المللی گردید. این حالت، راهبان بودایی را مجبور ساخت، که تا حدی به عملیه‌ی دموکراسی رضایت نشان داده و ابواب این کشور را به صورت نسبی در برابر این روند بگشایند.

۲- تبعیض دینی و معیارهای دوگانه:

تمام ممثلین و نماینده‌های مؤسسات بین المللی اتفاق دارند، که اقلیت مسلمان در میانمار بیشتر از هر اقلیت دیگری مورد شکنجه و ظلم قرار گرفته است و جرایمی که حکومت میانمار به ریاست برنده‌ی جایزه‌ی صلح جهانی، در مشارکت

با هم‌پیمانان سیاسی و عسکری شان در حق مسلمانان آن دیار مرتکب می‌شوند، پاک‌سازی نژادی به معنای کامل این کلمه است، که در حق این اقلیت مسلمان صورت می‌گیرد.

چنانچه نماینده‌ی سازمان حقوق انسان مربوط به ملل متحد زید بن رعد، با کمال شفافیت و صراحت اعلان نمود که: عملیات امنیتی که در میانمار صورت می‌گیرد، نمونه‌ی کاملی از تعریف‌هایی است، که در قوانین بین المللی و عرف‌های جهانی از پاک‌سازی نژادی صورت گرفته است و عملیات عسکری بر ضد آنها را عمل وحشیانه و غیر انسانی خواند.

به همین گونه، نماینده‌ی بخش پناهنده‌گان مربوط به ملل متحد تأکید کرد، تعداد پناهنده‌گانی که تا حال شمار گردیده از صدهاهزار می‌گذرد و سازمان‌های حقوقی مانند هیومن رایتس واچ (دیده بان حقوق بشر) کشته شدن و تجاوز به هزاران نفر این اقلیت را مورد تأکید قرار داد.

اما با وجود این اتفاق نظری که بین نمایندگان سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های حقوقی در مورد جنایات و جرایمی که در حق مسلمانان میانمار صورت می‌گیرد وجود دارد؛ به وضاحت معلوم می‌شود، که به‌کارگیری معیارهای دوگانه و تبعیض دینی در تعامل با ملت‌های تحت ظلم و شکنجه، عامل اصلی موقف گیری‌های این سازمان‌ها در برابر اقلیت‌ها و ملت‌های مسلمان می‌باشد.

ما حضور فعال و موقف جدی این سازمان‌ها را در برابر جرایمی مشاهده کردیم، که داعش در حق مسیحیان و ایزدی‌های عراق و سوریه مرتکب شد؛ در حالی‌که هر دو قضیه مربوط به اقلیت دینی و نژادی بود، که از سوی جهت‌هایی ظالم صورت می‌گرفت و حجم جرایمی که در حق مسلمانان میانمار صورت گرفت و قربانی‌هایی که این ملت مسلمان تقدیم کرد، به مراتب بزرگ‌تر و بیش‌تر از دیگران بود.

۳- رعایت مصالح دولت‌های بزرگ:

مهم‌ترین سبب خاموشی و تماشاگری مؤسسات بین المللی در مقابل جرایم بودایی‌ها بر ضد مسلمانان میانمار، فشاری است که از سوی قدرت‌های بزرگ بر این مؤسسات وارد می‌گردد، تا مصالح خود را در میانمار حفاظت نمایند؛ گرچه این مصالح به قیمت حقوق انسان و پایمال شدن تمام ارزش‌های انسانی تمام شود. البته این قاعده منحصر به میانمار هم نیست؛ بل در تمام نقاط متشنج جهان قابل تعمیم می‌باشد و در هر کشمکشی، این ملت هاست که قیمت این مصالح را از خون و جان خود و اطفال خود می‌پردازند.

و به همین سبب است، که کشورهای غربی هر نوع پشتیبانی سیاسی و اقتصادی را به نظام عسکری میانمار تحت ریاست جنرال «سین ثین» تقدیم کرده و با این عمل خویش، تمام گزارش‌های بین المللی و سازمان‌های حقوق بشر را به زباله دان انداخت.

این حمایت و پشتیبانی از پیمانی آغاز یافت، که توسط «تونی بلیر» نخست وزیر سابق بریتانیا، از معبر مؤسسه‌ی به‌نام «مؤسسة توني بلير للإيمان» (Tony Blair Faith Foundation) با حکومت نظامی میانمار بسته شد، تا چهره‌ی این حکومت خونخوار را در سطح جهانی پاک‌سازی نموده و زمینه‌های روابط دیپلوماتیک با این کشور را مساعد سازد.

از سوی دیگر، سازمان‌های حقوق بشر، شرکت توتال فرانسوی را نیز درین بازی متهم می‌نمایند، که پایپ‌های انتقال گاز ازین کشور را تأسیس نموده است تا از منابع پترول و گاز این کشور استفاده نماید، که شریان اصلی و اساسی مالی این نظام دکتاتوری را تشکیل می‌دهد.

در سال ۲۰۱۳ میلادی وزیر خارجه‌ی سابق امریکا خانم مادلین اولبرایت، به حیث نماینده‌ی شرکت کوکاکولا، اعلان نمود، که سرمایه گذاری این شرکت در پروژه‌های اقتصادی میانمار، به دوصد میلیون دالر بالغ می‌گردد.

تمام این کمک‌های مالی در حالی صورت می‌گیرد، که جرایم این نظام خون‌خوار بر ضد مسلمانان میانمار به بلندترین حد خود رسیده است و هزاران طفل و زن و پیر مرد به خاک و خون می‌افتد؛ اما کسانی‌که از طبیعت سیاست‌مداران غربی با خبرند، ازین خبرها هیچ تعجبی نمی‌کنند، به خصوص از خانم اولبرایت، که کشته شدن نیم میلیون طفل عراقی را قیمت مناسبی برای محاصره‌ی می‌داند، که از سوی امریکا بر عراق تحمیل شده بود.

٤- اسلاموفوبیا و ربط دادن اسلام با تروریزم:

برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل و رهبر کنونی میانمار «سوچی» توانست که فضای عام جهانی را، که خطاب سیاسی و رسانه‌ای آن، همیشه اسلام را با تروریزم گره می‌زند، به صورت کامل مورد بهره برداری قرار دهد؛ همچنان از پدیده‌ی اسلاموفوبیا که مسلمانان را همیشه به حیث مجرمین تصویر می‌نماید، استفاده‌ی اعظمی نموده و جرایمی را که در حق مسلمانان میانمار صورت می‌گیرد، به حیث یک مشکل داخلی نشان داد.

در طول ۱۵ سالی که سوچی در اقامت جبری به سر می‌برد، در تمام اعلامیه‌های آتشین او که بر ضد نظامیان صادر می‌گردید، هیچ اشاره‌ی به جنایاتی وجود نداشت که در حق مسلمانان روهنگیا صورت می‌گرفت و حتا زمانی‌که هزاران نظامی و راهب بودایی به مناطق مسلمان نشین هجوم برده و هزاران نفر را با داس‌ها و کاردها سر بریدند، و تقریباً ۱۵۰ هزار طفل، زن و پیرمرد را در کمپ‌های غیر انسانی به زندان کشیدند، نیز موقف این برنده‌ی جایزه‌ی صلح جهانی تغییر نه‌یافت.

همچنان در طول ماه می ۲۰۱۵ خاموشی اختیار کرد، در حالی‌که اجساد مسلمانان میانمار که از مناطق خویش فرار کرده بود، سواحل تایلند، مالیزیا و اندونیزیا را در خود پیچاند، و این را بهتر دانست که از کنفرانس بین المللی منعقد در ناروی، غایب گردد و به‌خاطر معرفی مشکل مسلمانان میانمار انعقاد یافت بود و در آن سه تن از برنده‌گان جایزه‌ی صلح (دیزموند توتو، خوسیه رامس هورتا و مایزد ماگور) شرکت داشتند.

و حتا جنایت او به جایی رسیده است، که از به‌کارگیری کلماتی چون: مسلمانان میانمار و یا روهنگیایی‌ها خود داری نموده و همیشه آنها را به نام دین شان، یعنی مسلمانان یاد می‌کند تا این نکته را در اذهان زنده سازد، که اصلاً به حق شهروندی آنها اعتراف نمی‌کند.

٥- فساد مؤسسات بین المللی:

قابل تذکر است که سازمان‌های بین المللی نه تنها این‌که درین قضایا و جرایمی که قربانی‌های آن مسلمانان بوده اند، مانند هجوم امریکا به افغانستان و عراق و جرایم چین در حق مسلمانان ترکستان شرقی سهیم اند؛ بل این ناکامی و توافق آنها به جرایمی امتداد یافته است، که دکتاتورهای غربی و کشور های عربی بر ملت‌های خویش مرتکب می‌شوند و حتا به جرایمی سرایت کرده است، که قربانی‌های آن غیر مسلمانان بوده اند؛ مانند: جرایم روس در شبه جزیره‌ی کریمیا و چیچن و کشتارهایی که در روندا صورت گرفت.

بزرگ‌ترین عامل این ناتوانی و سکوت سازمان‌های بین المللی به قوانینی بر می‌گردد، که فعالیت این سازمان‌ها را تنظیم نموده و به قوت‌های طاغوتی جهان، حق «ویتو» را می‌دهد و این کشورها می‌توانند هرنوع تصمیم‌گیری این سازمان‌ها را معطل قرار دهند.

علاوه بر آن، عامل دیگری که تا حال از انظار مخفی مانده بود و اخیراً با رسوایی‌های شرم آوری منتهی گردید، فساد مالی و برخورد با مصالحی بود، که بین نماینده‌گان مؤسسات بین المللی و کشورهای صاحب نفوذ درین سازمان‌ها وجود داشت.

موجودیت گروه‌های فشار و لابی‌های مصالح، ناتوانی و فساد سازمان‌های اسلامی و عربی مانند: سازمان تعاون اسلامی و جامعه‌ی کشورهای عربی و فقدان گروه‌های فشار به نفع ملت‌های مسلمان، عوامل دیگری است، که در کنار عوامل اصلی قرار گرفته و رنج و درد مسلمانان را دو برابر ساخته است.

با تشکر از سایت الجزیره. نت

habibi@eslahonline.net

گلگشتی ادبی

نالیکلی شعر

سپینه سپوږمی د تورو تورو غرونو شا ته پټه
د غره پر دنګه څوکه لاس د پلوشو ښوروي
خدای پامانې کوي له ستورو سره
سړوکی باد د شوخ ماشوم په شان ټوپونه وهي
پلنې پاڼې د ګودر د چینارو ښوروي
هاغلته لیرې په خلوت کې د ډبوې ږنا ته
یو شیخ ولاړ د تهجد په لمانځه
د لویې مینې له خالقه سره مینه کوي
ما هم د غره تر شا له پټې سپوږمی
ما په خلوت کې له ږپاندې ډبوې
او د سړوکي باد له شوخو څپو
الهام د مینې واخیست
زه هم په نیمه شپه له خوب راپاڅېدلی شاعر
تر اوو غرونو، تر اوو سمندرونو اخوا
د نالیدلي جانان ذکر کوم
په نالیکلي شعر کې فکر کوم.
(شاعر پیر محمد کاروان)

مخاطبت را بشناس!

رسول الله صلی الله علیه و سلم در موعظه کردن یارانش، وضع روحی آنان را در نظر می‌گرفت. باری یکی از صحابه به ایشان گفت که مرا نصیحت کن. پیامبر صلی الله علیه و سلم به وی نگاه می‌کند و می‌گوید: هیچگاه عصبانی نشو! گویا رسول الله صلی الله علیه و سلم فهمیده بود که او از غضب شدید رنج می‌برد. باری دیگر یکی از صحابه نزد ایشان می‌آید و می‌گوید که مرا نصیحت کن. و ایشان می‌فرمایند: بگو به الله ایمان آوردم، سپس استقامت کن. بنابراین پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هر کدام از یارانش متناسب حالش، موعظه می‌فرمود. و همه اینها نشان از فراست و فطانت رسول الله صلی الله علیه و سلم دارد.

قوم‌گرایی لعنت است

آن حضرت صلی الله علیه وسلم از انسان قوم‌گرا و نژادپرست بیزارند. در حدیثی می‌فرمایند:
«وَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةٍ عُمِّيَّةٍ يَغْضَبُ لِلْعَصَبَةِ وَيُقَاتِلُ لِلْعَصَبَةِ فَلَيْسَ مِنْ أُمَّتِي» (صحیح مسلم)
«هرکس به خاطر قومیت خشمگین گردد و به خاطر آن به جنگ بپردازد و در زیر این پرچم کور و بی هویت کشته شود، از امت من نیست»

چلوونکی: عبدالرزاق حبیبي

معلومات

حاطم طایی بودن سخت است!

وقتی که حاتم طایی از دنیا رفت، برادرش خواست جای او رابگیرد. حاتم مکانی ساخته بود که هفتاد در داشت. هر کس از هر دری که می‌خواست وارد می‌شد و از او چیزی طلب می‌کرد و حاتم به اوعطا می‌کرد.

برادرش خواست در آن مکان بنشیند و حاتم بخشی کند! مادرش گفت: تو نمی توانی جای برادرت را بگیری، بیهوده خود رابه زحمت مینداز.

برادر حاتم توجه نکرد. مادرش برای اثبات حرفش، لباس کهنه‌ای پوشید و به طور ناشناس نزد پسرش آمد و چیزی خواست. وقتی گرفت از در دیگری رجوع کرد و باز چیزی خواست. برادر حاتم با اکراه به او چیزی داد.

چون مادرش این بار از در سوم بازآمد و چیزی طلب کرد، برادر حاتم با عصبانیت و فریاد گفت: تودوبار گرفتی و بازهم می‌خواهی؟ عجب گدای پررویی هستی! مادرش چهره خود را آشکار کرد و گفت: نگفتم تو لایق این کارنیستی؟ من یک روز هفتاد بار از برادرت به همین شکل چیزی خواستم و اوهیچ بار مرا رد نکرد.

په ګلونو د ناروغیو درملنه!

د ګلونو په رنګونو سره نړۍ رنګینه کېږي او چاپېریال يې له په عطرو خوشبویه کېږي. د طبیعت او فطرت دغه ښکلي ډالۍ سره له دې ښکلاوو، نورې ګټې هم لري، چې د انسان ژوند ته ډېر ګټور دي.

د ګلاب د ګل په بوی کولو سره انسان د راحت احساس کوي او د خوب نه ورتللو ستونزه حل کېږي او ګلاب د زړه او اعصابو په پیاوړي کولو کې ستره ونډه تر سره کوي.

دتازه ګلاب د بوې کولو په وجه د انسان د بوې کولو حس او قوت پیاوړی کېږي.

که چېرې څوک د سترګو ناروغۍ لري، نو د نیلوفر د ګل په بوې کولو سره له ناروغۍ بچ کېدلای شي.

د نیلوفر ګل خوشبو د بې خوابۍ مرض ته هم ګټوره ده، او د تندې په ختمولو کې هم مرسته کوي.

دچنبیلې د ګل په بوی کولو سره د زړه ناروغۍ ته ګټه رسېږي او د دغه ګل بوی کول د ټایفایډ ناروغۍ ته ګټور دی او که چېرې د

شپې له‌خوا د چنبیلې عطر ولګول شي نو انسان ته درونده خوب ورولي.

به مرده‌ها دعا کنیم، به زنده‌ها احسان

پروانه به خرس گفت: دوستت دارم...

خرس گفت: فعلن می‌خواهم بخوابم، زمانی‌که بیدار شدم حرف می‌زنیم...

خرس به خواب زمستانی رفت و هیچوقت نفهمید که عمر پروانه فقط ۳ روز است...

آدمهای زنده به گل و محبت نیاز دارند ومرده‌ها به فاتحه و دعا!

ولی ما گاهی برعکس عمل می‌کنیم!

به مرده‌ها سر می‌زنیم و گل میبریم برایشان، ولی راحت فاتحه زندگی بعضی‌ها را می‌خوانیم !

گاهی فرصت باهم بودن کمتر از عمر شکوفه‌هاست!

بیاید ساده ترین چیزها را ازهم دریغ نکنیم.

از کابل تا کولمبو
خاطراتی از کشور سریلانکا

عبدالجمیل ذهین

سخن را با این پرسش آغاز می‌کنیم که: سریلانکا چگونه به صلح، ثبات و توسعه‌ی پایدار دست یافت؟

به تاریخ (۹ میزان ۱۳۹۶) به نماینده‌گی از جوانان ولایت فراه در ترکیب ۳۴ تن از جوانان کشور، طی یک سفر آموزشی-تحقیقاتی، راهی کشور سریلانکا شدیم. این سفر که به هدف بررسی ساختار سیاسی-اجتماعی، پروسه¬ی حل منازعه و جنگ، پیشرفت‌های صورت گرفته در عرصه‌ی عدالت انتقالی و... و آموختن تجربه‌ی سریلانکا در این عرصه‌ها راه اندازی شده بود، متأسفانه طبق معمول -مانند سایر برادران افغان- پاسپورت‌های‌مان در میدان هوایی شهر کولمبو (پایتخت سریلانکا) از سوی پولیس سرحدی به چالش کشیده شد؛ ولی با چانه‌زنی‌ها، خواهش‌ها، و انتظار بلاخره مؤفق شدیم تا وارد خاک «سرخین» و هوای مرطوب این کشور شویم.

معلومات ابتدایی

سریلانکا، جزیره‌ای در شبه قاره‌ی هند و در گوشه‌ی شمالی بحر هند با مساحت (۶۵,۶۱۰ sq km) و حدود ۲۲ میلیون نفوس؛ دارای خاک سرخ، هوای مرطوب و گرم، مردم سیاه پوست؛ اما با قلب‌های مهربان و همّت‌های استوار می‌باشد. سریلانکا، کشور زراعتی بوده و اقتصاد آن معمولاً بالای زراعت، صنعت و خدمات استوار است. چای، برنج و میوه جات از جمله صادرات عمده‌ی این کشور به شمار می‌روند.

«سینهله» (Sinhala) مطرح‌ترین قوم در این کشور بوده و حدود ۷۵٪ نفوس این کشور را تشکیل می‌دهد، به همین ترتیب «تامیل‌ها» که در گذشته مخالفین حکومت بوده و خواستار کشور مستقل در این جزیره بودند؛ حدود ۲۵٪ نفوس این کشور را تشکیل می‌دهد. از آن جمله ۱۰٪ کل جمعیت این کشور مسلمان بوده و بودیسم، اسلام و مسیحیت از جمله ادیان این کشور به حساب می‌آیند. پیروان هندوئیسم نیز به‌گونه‌ی نادر در این جزیره زیست دارند. سریلانکا دارای رژیم سوسیالیستی-جمهوری از نوع دیموکرات آن بوده و از لحاظ ساختار اداری، دارای ۹ ولایت می‌باشد. واحد پولی سریلانکا روپیه‌ی سریلانکائی بوده و دارای دو زبان رسمی و ملی (سینهله‌ی و تأمیلی) می‌باشد. زبان انگلیسی معمولاً در چوکات امور حکومتی مورد استفاده قرار گرفته و ضمناً در حدود ۱۰٪ مردم این کشور به زبان انگلیسی تکلم می‌نمایند.

در نخستین روز سفر، ضمن آموختن نکات اساسی و عمومی در پیوند به کشور سریلانکا، مسایلی را نیز به‌صورت تطبیقی و مقایسی میان افغانستان و سریلانکا در پیوند به نفوس، ساختار سیاسی، تشکیلات اداری، روند دسترسی به خدمات و ... آموختیم.

پروسه‌ی حل منازعه و عدالت انتقالی در سریلانکا

در دومین روز سفر؛ ضمن بحث اجمالی در پیوند به ریشه‌ها و خاستگاه بیش از سه دهه جنگ و منازعه در این کشور، روند مصالحه‌ی ملی، تحقق صلح از ورای گفت‌وگوی‌های مذهبی و پیشرفت‌های صورت گرفته در عرصه‌ی عدالت انتقالی؛ بحث‌های مفیدی از سوی «سلما یوسف» مسؤول دفتر اتحاد و مصالحه‌ی ملی و سکرتریت ریاست جمهوری و سایر ارائه کنندگان، صورت گرفت.

ملت سریلانکا بعد از سه دهه جنگ و ویرانی به این نتیجه رسیدند، که باید به این روال خاتمه داده و راهِ صلح و عمران را در پیش گیرند. در طی سه دهه جنگ، اقلیت «تأمیل» در مقابل اکثریت سینهله‌ها که حکومت را در دست داشتند عَلَمِ جنگ را بر افراشته بودند و خواستار استقلال و داشتن حکومت مستقل در قسمت شمالی این کشور بودند. شهر «جفنا» واقع در قسمت شمالی این کشور، محل قرارگاه اصلی تأمیل‌ها (مخالفین حکومت) بود. این شهر در اثر جنگ سرنوشت سازی که منجر به شکست و تسلیمی تأمیل‌ها و خاتمه‌ی جنگ گردید، خسارات بی‌شماری را متحمل شد. اکنون در این شهر، از سوی حکومت سریلانکا و سایر کشورهای خیّر برای قربانیان جنگ و سونامی اخیر؛ خانه‌های مخصوص با تمام امکانات لازمه (برق، آب، نهادهای آموزشی، مراکز صحی و...) در نظر گرفته شده است. هرچند پروسه‌ی توزیع شلتر برای قربانیان جنگ و مهاجرین در افغانستان نیز در جریان است؛ اما فسادِ گسترده، عدم مدیریت درست و ناکامی حکومت در تشخیص قربانیان و مستحقین واقعی و همچنان خدمات ناچیز و غیر معیاری از جمله مشکلاتی است که سدِ راهِ موفقیت این پروسه در کشورمان قرار دارد.

قابل یادآوری است که در طی بیش از سه دهه جنگ میان تأمیل‌ها و حکومت سریلانکا؛ هزاران نفر کشته و هزاران دیگر بیجا شده بودند. اینک که جنگ در این کشور خاتمه یافته است و ملت سریلانکا صاحب حکومت مستقل و مشتمل از همه اقوام و مذاهب شده است. حکومت این کشور به سلسله‌ی تحقق پروسه‌ی عدالت انتقالی، به شناسایی و رسیدگی به قربانیان جنگ پرداخته‌است.

فساد اداری در سریلانکا

بررسی اهداف توسعه‌ی پایدار و کیفیت مسئله‌ی

جندر در سریلانکا، ساختار پولیس و نقش «بنیاد آسیا» در تقویه و توسعه‌ی آن، از جمله مسایلی بود که در روز سوم آموختیم و ضمناً جهت بررسی فساد در تشکیلات اداری حکومت از «کمیسیون مبارزه با رشوت و فساد اداری» واقع در پایتخت این کشور بازدید نمودیم.

حکومت سریلانکا نیز همانند افغانستان از وجود و موضوعیت انواع مختلف فساد در این کشور رنج می‌برند. آن‌ها جهت پیگری قضایای فساد اداری و مبارزه با آن، کمیسیون خاصی را تحت نام «کمیسیون مبارزه با رشوت و فساد اداری» تشکیل داده اند. هرچند تلاش‌های حکومت در راستای مبارزه با فساد مؤثر واقع شده است؛ اما آن‌ها هنوز هم وجود فساد قابل ملاحظه را در این کشور انکار نمی‌نمایند.

نقش مذاهب در پروسه‌ی مصالحه‌ی ملی

روز چهارم و پنجم را با پرداختن پیرامون موضوعات مهم و اساسیِ چون: ثبات سیاسی و سیر تاریخی قوانین اساسی در سریلانکا، حق دسترسی به معلومات، مصالحه‌ی ملی، مفقودین در اثر جنگ و گفت و گوهای مذهبی و نقش آن در تحقق صلح و... سپری نمودیم.

تجربهٔ سریلانکا در استفاده از رهبران مذهبی در تحقق صلح و مصالحه‌ی ملی یک تجربه‌ی کامیاب و مثبت بوده است. سریلانکا توانسته است با فراهم آوری زمینه¬ی گفتمان مذهبی میان روحانیون و اهل فهم مذاهب این کشور از طریق به‌راه اندازی میزگردها، جلسات و گردهمایی‌ها؛ تفاهم منطقیِ را میان پیروان مذاهب مختلف این کشور فراهم ساخته و از خواست‌ها و خط سرخ‌های هم‌دیگر خود را آگاه سازند.

قانون حقِ دسترسی به اطلاعات/معلومات، که یک حق بنیادین از حقوق بشر معاصر را تشکیل می‌دهد، جدیداً در کشور سریلانکا طرح و تصویب گردیده و بر بنیاد آن، مردم حق دارند بصورت انفرادی/جمعی، از ادارات مختلف حکومتی معلومات ضروری خویش را بدست بیاورند. قابل یادآوری‌ست، که این قانون زیر نام «قانون دسترسی به اطلاعات» اخیراً در افغانستان نیز طرح و تصویب گردیده است.

اسلام در سریلانکا

اکثریت نفوس این کشور را بودائیان تشکیل داده و در پهلوی آن مسلمانان، هندوها و مسیحیان اقلیت‌های مذهبی این کشور به شمار می‌روند. مسلمانان که حدود ۱۰٪ نفوس سریلانکا را تشکیل می‌دهند، ابتدا در قرن ۷ میلادی تحت نام مجموعه‌ی از تجاران عرب به قصد تجارت و دعوت اسلامی به این کشور آمدند و در پهلوی تجارت به دعوت خویش پرداختند. بعدها در زمان امپراتوری پرتغال (اواسط قرن ۱۷) که سریلانکا یکی از مستعمرات آن به شمار می‌رفت، مجموعه‌ی دیگری از مسلمانانی که در طبابت تخصص داشتند، به سریلانکا دعوت شدند و از سوی امپراتور وقت برای شان ملکیت و اراضی خاصی با تمام امکانات زندگی تخصیص داده شد.

اینک اسلام در سریلانکا به صورت سریع در حال رشد است. دعوتگران و خبره گان مسلمان، دلیل رشد سریع اسلام در این کشور را میزان بلند تولدات خانواده‌های مسلمان، اسلام آوردن دختران سایر ادیان در اثر ازدواج با مسلمانان و دعوت دعوت‌گران الهی، عنوان می‌کنند. بودائیان که خویشتن را وارثین و صاحبان اصلی این کشور قلم‌داد می‌نمایند؛ در قبال رشد روزافزون مسلمانان در این کشور نگران بوده و بنابر همین دلیل، مسلمانان این کشور اکثراً مورد تجاوز و جنایات بی رحمانه‌ی بودائیان افراطی قرار گرفته و می‌گیرند. اکنون بودائیان این کشور ترس دارند که در صورت تداوم رشد روز افزون نفوس مسلمین، در طولانی مدت آنها نه به عنوان اقلیت، بلکه به عنوان اکثریت مذهبی حرف اول را در عرصه سیاسی و ساختار اجتماعی خواهند زد.

هم اکنون مسلمین این کشور از جمله متحدین حکومت بوده و ضمن حضور پر رنگ شان در رده‌های بلند ساختار سیاسی، توانسته اند به تعداد ۲۲ نماینده در پارلمان این کشور نیز داشته باشند. مسلمانان این کشور در انجام مناسک و تحقق ارزش‌های اسلامی شان آزاد بوده و دارای مساجد و مدارس بزرگ و فعال در سراسر این کشور، به‌خصوص در شهر «کولمبو» پایتخت این کشور می‌باشند. مسلمانان این کشور که اکثراً به شغل تجارت مصروف استند از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردارند و بر خلاف بعضی از کشورهای اسلامی، مسلمین این کشور از سجایای اخلاقی بسیار نیکی برخودار بوده و در فضای اُخوت اسلامی و اتحاد شکست ناپذیری زنده‌گی می‌کنند. آنها به ارزش‌های اسلامی به صورت جدی پای‌بند بوده و در مجموع مردم متواضع و بی آلایشی استند.

آنچه از سریلانکا آموختیم

در روز هفتم، پایتخت کشور سریلانکا را به قصد شهر «جفنا» و بازدید از محلات جنگ زده و مصاحبه با قربانیان جنگ ترک کردیم. در میان راه از معابد تاریخی و اماکن باستانی مسیر راه دیدن نموده و در پیوند به تاریخ این کشور بیش از پیش آشنا شدیم. در شهر «جفنا» که در ساحل بحر هند موقعیت دارد، ضمن ملاقات با قربانیان جنگ و بررسی خدمات ارائه شده از سوی حکومت، با والی این ولایت در دفتر کارش ملاقات نمودیم و در آخرین روز حضور خود در این شهر، با بستن عهد آهنین جهت عمران و شگوفایی کشور خویش، شهر جفنا را به قصد کولمبو، ترک گفته و متعاقباً روز بعد، از پایتخت این کشور به قصد افغانستان، با ملت متواضع، بی آلایش و مهمان‌نواز سریلانکا خدا حافظی کردیم.

آنچه از سریلانکا آموختیم، تفسیرِ آیتی از آیات قرآن عظیم الشأن است، که خداوند (ج) بیش از هزار سال قبل ما را در جریان آن گذاشته است. «اِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّروأ مَا بِاَنفُسِهِم.» رعد/۱۱

(و خداوند حال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا زمانی‌که خود آن قوم حال شان را تغییر دهند). بلی! در چند روز اقامت‌ام در سریلانکا دریافتم که مشکلات کشورمان با وجود پیچیده‌گی و بغرنج بودنش، راه حل بسیار ساده دارد. و آن این‌که بجای تغییر در جامعه و عالم، ما باید اولاً به فکر تغییر نفس و افکار خویش باشیم.

فساد در سریلانکا زمانی اُفت کرد و تقریباً از بین رفته است که وکیل آن کشور بعد از ایراد سوگند، به قول خود عمل نمود و از تعهد خود برنگشت. کثافات و آلودگی زمانی از سریلانکا نابود گشت که شهروندانش تصمیم گرفتند تا دیگر کثافات شان را لب سرک و جاده ها نریزند و اختلافات داخلی شان زمانی حل گردید، که افراد ملت اش تصمیم گرفتند تا هم‌دیگر را ببخشند و برادروار با هم زنده‌گی نمایند و بدین ترتیب، همه مشکلات شان را خودشان حل نمودند و ابتدا از خودشان آغاز نمودند. آنها در ساختن کشور و حل اختلافات شان نه از آمریکا کمک خواستند و نه در دروازه‌ی جامعه‌ی ملل ناله و فغان نمودند. زیرا می‌دانستند تا افکار و نفس شان را تغییر ندهند، کشورشان تغییر نخواهد کرد و هیچ کس هم قادر به تغییر آن نخواهد بود. اینجاست که باید ملتی با ۵۰۰۰ سال تاریخ سلحشورانه و آزادانه‌ی خویش از ملتی که در طول تاریخ برده و مستعمره بوده است، درس زندگی و آزادگی بیاموزد.

به امید افغانستان با ثبات، آباد، آزاد و سربلند!

د کباړي دوکان

ژباړه: ظاهر عمار

رام پور په هندوستان کې د مسلمانانو لوی ریاست و. د دې ریاست بنیاد روهیلا جنګیالي، نواب فیض الله خان په ۱۷۷۴ میلادي کال ایښی و چې بیا تر ۱۹۳۰ میلادي کاله پورې قایم و. رام پور د انګرېزانو تر رحم و کرم او څار لاندې و. دا سیمه د ګنیو او پنبې په وجه په ټول هندوستان کې مشهوره وه. نواب خپله علم‌دوسته سړی و، هغه په رام پور کې د هندوستان تر ټولو لوی کتابتون جوړ کړی و چې پکې تر دولس زرو ډېر د اردو، پارسي او ترکي ژبو کتابونه موجود وو. دا کتابونه په لاس لیکل شوي وو. انګرېزان د لومړي نړۍ وال جنګ پر مهال د رام پور له نوابه خپه شول او په ۱۹۳۰ میلادي کال یې ریاست په خپله ولکه کې واخیست او په دې توګه هلته نوابي ختمه شوه. د ریاست وروستی نواب رضا علي خان تر خپلې مانۍ محدود پاتې شو. ده د خپلو مشرانو ملغلرې، سره و سپین زر، تورې او د سرو زرو لوښي وپلورل او د خپلې مانۍ مصارف به یې پرې پوره کول. د رام پور نواب د خوراک ځښاک معتاد و. د نواب دسترخوان په ټول هندوستان کې مشهور و، د هندوستان تر ټولو ښه مېوه، تر ټولو ښې غلې دانې، تر ټولو ښه ترکاري او تر ټولو ښه غوښه به تر زرګونو مپلو سفر طی کولو وروسته رام پور ته رارسېده. له نواب سره د آشپزانو پوره پوځ موجود و، دوی به ټوله ورځ خواري کوله چې نواب ته تر ټولو اعلی او نفیس خواړه برابر کړي. نواب به د ریاست چارواکي او مشران راټولول او بیا به یې د شپې تر ناوخته له خوراکونو خوند اخیست. د ریاست تر پای ته رسېدو وروسته نواب ته د دسترخوان ډک او غوړ ساتل ګران شول، خو هغه له خپل عادته لاس وانخیست. هغه خپلې ځمکې، جائیدادونه او ګاڼې خرڅې کړې او دسترخوان به یې ډک ساته. یوه شپه انګرېز والي ناڅاپه د رام پور د نواب رضا علي خان مانې ته ورغی، نواب له خپلو مشرانو سره خوراک نوش جان کاوه، ګورنر هم د خوراک مېز ته کېنول شو، هغه چې د دسترخوان شان و شوکت، د خوراکونو کیفیت، ذایقه او د آشپزانو پوځ ولید، اریان دریان پاتې شو، نواب نه یې وپوښتل «نواب صیب! تاسې نن هم دومره ښه خواړه خورئ؟» نواب په موسکا ځواب ورکړ «والي صیب! دا چې ریاست مو لاسه ووت، اوس ښه خواړه هم ونه خورو؟» والي په دې خبره چوپ پاتې شو. د رام پور نواب د خپل ژوند تر وروستی سلګی ښه خواړه خوړل، د سرو او سپینو زرو لوښي یې خرڅ کړل، حتا چې د مانۍ خښتې یې هم خرڅې کړې خو دسترخوان یې کوچنۍ او سپور کېدو ته پرېښود. نواب د خپل ژوند په وروستي ورځ هم سلو کسانو ته مپلمستیا کړې وه او په دې ورځ هم خواړه همغومره شاندار وو څومره چې به د ریاست د بنیاد ایښودونکي فیض الله خان په وخت کې وو. د نواب صیب ځمکې، جایدادونه او سره و سپین زر ختم شول خو لائف سټائل یعنې د ژوند تېرولو طرز یې بدل نه شو. هغه به نفیس ترین خواړه خوړل، شاندراه مپلمستیاوې یې هم کولې، په شوق و ذوق به ښکار ته هم واته، خلکو ته به یې ډالۍ هم ورکولې، د طالب علمانو وظائف هم روان وو او د نواب له سورلۍ او لباس نه تر وروستۍ سلګۍ خوشبویي هم تله. هغه تر وروستۍ سلګۍ نواب پاتې شو، د نواب دې عادت ته انګلیسي کې لائف سټائل وایي.

دنیا کې څلور ډوله لائف سټائلونه یعنې د ژوند تېرولو طرزونه دي، غریبانه، شریفانه، دروېشانه او شاهانه. دا څلور واړه لائف سټائلونه مستقل دي. دنیا کې یو پنځم ډول لائف سټائل هم شته چې احمقانه لائف سټائل یې بولي. دا عموماً د نوو مالداره شوو کسانو لائف سټائل دی. مورِ انسانان چې ناڅاپه شتمن شو، احمق کیږو او دا حماقت په څو ورځو کې زمورِ له پخواني لائف سټائله بیخي بدل وي. تاسې چې کله هم په کوم پنځه ستوریز هوټل کې یو کس ولید چې تر حده ډېرو خوړو فرمایش ورکوي یا کوم کس خپل قیمتي موټر ستاسې د دروازې مخې ته ودروي او بیا په زوره دروازه بندوي چې خلک ورته متوجه شي یا کوم معقول سړی ناڅاپه سګرټ څکول پیل کړي یا کوم کس نیم بوتل سپری پر ځان پاشلې وي او بهر

راووځي يا کوم کس په محفل کې د پښو په ټکولو خلک خلک خپلو بوټانو ته متوجه کوي نو يوازې يوه پوښتنه ترې وکړئ «صيب! تاسې د پراپرټۍ کاروبار کوئ؟» باور وکړئ نهه نوي فيصده دا کسان به د «هو» ځواب درکړي. زه چې کله هم د پنځه دېرشو کالو کوم ځوان وينم چې ناروغ دی، پوه شم چې د لوړ فشار، کولسټرول، ذهني فشار او زړه د ناروغيو ګولۍ به خوري. زه له دوی هم پوښتنه کوم چې «تاسې د پراپرټۍ کاروبار کوئ؟» د هغوی ځواب همېشه «هو» وي. زما ملګري اکثراً ما نه پوښتنه کوي چې زه څنګه دا اندازه لګوم، زه ورته وايم «انسان په دېرش کلنۍ کې يوازې د پراپرټۍ په پيسو ناروغېدی شي.» زه اکثر دا هم وايم «زموږ لائف سټائل يوازې د پراپرټۍ په پيسو دومره احمقانه کېدای شي.»

اوس ببرته د څلور ډوله لائف سټائلونو خوا ته راګرځم. غريبانه لائف سټائل په غربت کې وروست شوی لائف سټائل وي. په دې لائف سټائل کې لاسونه ناولي، ويښتان ګډوډ، جامې پيوند، په ټوخي کې بلغم او پر بوټانو ګرد پروت وي. شريفانه لائف سټائل د مډل يا متوسط کلاس خلکو د ژوند تېرولو طرز دی. لوستي، مهذب، جامې پخوانۍ خو صاف سوتره، بوټان هم پخواني خو د هره ورځ پالش په وجه پرکېدونکي، کور وړوکی خو پاک او موټر ګوزاره حال خو بې‌داغه. په دروېشانه لائف سټائل کې يو مرموزيت او يوه بې‌پروايي ليدل کيږي. په هر څه کې نفاست او راښکون حاکم وي خو ورسره بې‌پروايي او لاتعلقي هم وي. که تاسې غواړئ په لائف سټائل پوه شئ نو د وارث شاه تاريخ ولولئ. شاه صيب به انتهايي شاندار لباس اغوست، بستره يې هم نرمه او آرام بښونکي خو هغه به د جومات په خامه حجره کې اوسېده. شيدې به يې د اعلی نسل مېنو څښلې خو پياله به يې خټينه وه. د داتا ګنج بخش لباس به هم همېشه پاک سوتره و خو هغه به هم د جومات په حجره کې اوسېده او له څو خاورينو لوښو پرته ورسره نور هيڅ هم نه وو.

پاتې شو شاهانه لائف سټائل، دا نو د بادشاهانو او نوابانو لائف سټائل دی. دا خلک تر هغې پرنجيرې هم نه چې لاس کې يې د وربښمو دستمال نه وي. دوی خپل کفن هم له هغې پنبې جوړوي چې خپله يې تخم پر يوې پاک سوتره ځمکې کرلی وي. د اصلي بادشاه او اصلي نواب په اړه ويل کيږي چې دوی به دوزخ کې هم يخې اوبه غواړي. دا خلک مري خو شاهانه خويونه ترې نه ځي. انګرېزانو چې کله بهادر شاه ظفر د قيدي په توګه رنګون ته استاوه، سمندري بېړۍ ورته تياره ولاړه وه، بادشاه پکې خېژول کېده، د بادشاه پر بدن دا مهال هم تر شاهي لباس کم لباس نه و. يو هندی يې څنګ ته ورغی او بادشاه ته يې په سر ټيټولو سلام وکړ، د بادشاه غيرت هغه وخت هم دا نېه ونه ګڼله چې سلام کوونکی خالي لاس رخصت کړي. بادشاه جېب ته لاس کړ او خپلې له قيمتي غميو جوړې وروستۍ لاسي تسبېح يې راوويستې او سلام کوونکي ته يې ورکړې. بادشاه په رنګون کې خپلې جامې هم پر خپلو خادمانو وېشلې وې. هغه په آخر وخت کې په يوه عادي لباس کې وفات شو. د هندوستان پخواني نواب رياستونه به د انګرېزانو له لوري تر نيول کېدو وروسته کانه کېدل. هغوی به بيا د مړينې تر وخته د کونوالي اظهار کاوه، ولې؟ ځکه ارمن کس تش لاس استول د هغوی عادت نه و او کله که به يې د کوم کس حاجت پوره کول له وسې بهر وو نو بيا به يې ځان يا بيخي کونې کړ او يا به يې د رام پور د نواب په څېر د خپل دسترخوان د آباد ساتلو په خاطر خپلې مانۍ خښتې او دروازې هم خرڅولې. ما په وړوکتوب کې د نواب کورنيو ډېر خلک ليدلي، زموږ ښار کې يو حکيم اوسېده، دی د هندوستان د کوم رياست د شاهي کورنۍ غړی و. نوموړی هغه وخت ډېر سپين ږيری و، مورِ هغه هيڅکله له چپن، سپين شلوار کميس، قره قل او امسا پرته نه و ليدلی. هغه به سترګې ښکته اچولې وې او ورو ورو به روان و، په نرم آواز به يې خبرې کولې، مورِ به ورته خان صيب ويل، هغه به له يوه دوکانه سودا اخيسته، دوکاندار ورته يوه ورځ ويلي وو «تاسې سودا وړئ، د پيسو پروا مه کوئ.» دا معمولي خبره پر هغه ښه نه وه لګېدلې او بيا هيڅکله هغه دوکان ته ورنغی. هغه دومره حساس و چې يو ځل يې ورسره يوه ناروغ بداخلاقي وکړه، هغه پاڅېد، کور ته ولاړ، جامې يې بدلې کړې، خپل بکس يې پورته کړ، بس کې کېناست، ښار يې پرېښود او بيا هيڅکله ببرته رانغی. د خان کور وروسته د هغه يوه خپلوان خرڅ کړ. ما په لاهور کې داسې ډېر خلک ليدلي، دوی له هندوستان نه پاکستان ته راغلي وو، دوی په کوچنيو کورونو کې اوسېدل، معمولي دندې به يې ترسره کولې او په کمو پيسو به يې ګوزاره کوله، خو د دوی لباس، ناسته ولاړه او خبرو کې به د تېرو زمانو ذايقه پرته وه. دوی به سپي ته هم سپی نه ويل، جناب به يې ورته ويل. د لاهور په اُپرمال کې يو ښاغلی اوسېده، هغه د حيدر آباد د نظام بادشاه د کورنۍ و، خطاط و، په خطاطۍ به يې ځان ته روزي پيدا کوله، ما په خپل ژوند کې تر هغه ښه چای پخوونکی او څکوونکی نه و ليدلی. د هغه په چايو کې به يو عجيب قسم سرمستي ګډه وه، ما ورته يوه ورځ وويل «جناب! تاسې چايو کې څه ګډوئ، ما داسې ذايقه بل ځای کې نه ده موندلې؟» په موسکا يې وويل «زعفران.» ما وويل «مګر دا خو ډېر ګران دي؟!» ويې ويل «ګران به وي خو زه يې د خپل کورني روايت له مخې نه شم پرېښودی. که چای څښم نو يوازې د زعفرانو به څښم، که نه نو بيخي يې پرېږدم.» هغه يوه شېبه غلی و، بيا يې وويل «ګرمې اوبه د چايو د فطرت پرېکړه کوي او ستونزې د خلکو د حسب نسب، زموږ مشرانو به ويل، هغه نوابي هيڅ نوابي نه ده چې له غربته ماتې وخوري. سره زر بيا هم سره زر وي، که څه هم د کبړې په دوکان کې ايښودل شوي وي. « ما تر ننه هغه او د هغه دا خبره هېره نه کړای شوه.

ولې زمونږ په ټولنه کې ښځې خوندي نه‌دي؟

فرهاد مندوزی

افغانان په یوه دودیزه ټولنه کې ژوند کوي، چې د ژوندانه ډیری کړه وړه یې په بیلابیلو دودونو او رواجونو پورې تړلي دي، چې د هېواد په ګوټ ګوټ کې بیا دا رواجونه له یو بل سره ډېر توپیر نلري او د ژوند کولو ډولونه یې له یوې سیمې او بلې سیمې سره تر ډیره یو شان دي.

هره ټولنه کې په څو ډوله نزاکتونه، رواجونه او دودونه شتون لري، چې وګړي ورته د قانون په پرتله ډیر ارزښت ورکوي او پرې ولاړ دي، نو د هغې له ډلې نه غواړو په دې اړه بحث وکړو چې زمونږ په ټولنه کې له ښځینه وو سره په څه ډول چلند کېږي؟

آیا دوی په ښار او کلي کې د خوندیتوب احساس کوي؟

کومې ښځې خورول کېږي؟

او د دې ستونزې د حل او مخنیوي لاره څه ده؟

که راشو د لومړی پوښتنې ځواب ته چې په ټولنه کې له ښځو سره څنګه سلوک وکړو، نو د یوه مسلمان په توګه مورږ ته په ډیر وضاحت سره ویل شوي دي چې پردیو (نامحرمو) ښځو ته کتل او هغه کارونه چې د یوې ښځې د خوښدنې سبب ګرځي له هغې نه باید په کلکه ځان وساتو او لکه څنګه چې د خپلې کورنۍ مېرمنې، خور او لور ته درناوی لرو، پردیو ښځو ته هم همداسې درناوی ولرو او هڅه وکړو چې د دوی عزت او شخصیت ته ضرر ونه رسوو.

متاسفانه زمونږ په ټولنه کې د ښځو بېلابېل ډول خورونه رواج لري، ډېرځله به مو کتلي وي چې کله میرمنې یا نجونې د موټرو په تمځای کې ولاړې وي او یا کله چې پر سړک روانې وي نو په لسګونو شخصي، ټکسي او ان دا چې ځینې دولتي موټر به ورته هارن کوي او په دې هڅه کې به وي چې موټر ته یې پورته کړي، هغه هم په دې نظر چې له هغوی سره څو شیبې سات تیر کړي او بیا به د لارې په اوږدو کې ترې هغه پوښتنې پیل کړي چې د یوې ښځې شخصیت پورې اړه لري لکه واده مو کړی که نه ؟ عمر دې څو کاله دی؟ د کوم ځای یې او داسې نورې پوښتنې چې په عمومي ډول د ښځو لپاره ډیره لویه ستونزه بلل کیږي.

متاسفانه کوم نارینه چې دا ډول کارونه ترسره کوي دا فکر له ځانه سره نه کوي چې که په همدې ډول دده د کورنۍ کومه غړې د بل چا لخوا وځورول شي او دا ډول پوښتنې او سلوک ورسره وشي نو آیا ده ته به د منلو وړ وي ؟ طبیعي ده چې هیڅ کله نه،ځکه د خپلې کورنۍ غړې ته به د یوې میرمنې او خپل عزت په سترګه ګوري خو له بده مرغه چې نورو ته په سپکه نظر ګوري .

بل خوا له بده مرغه زمونږ په ټولنه کې د ښځو او نجونو ځورول، ورځ تربلې په ډیریدو دي او په دې مرض زمورږ د ټولنې ډیر ځوانان او ان ځینې د پاخه عمر کسان چې یو څه پیسې یا موقف لري، اخته دي.

همدارنګه ددې موضوع بل تریخ اړخ دادی چې له بده مرغه نه یوازې هغه شمیر نجونې او ښځې ځورول کیږي چې په اخلاقي فساد کې ښکیلې دي،بلکې ځینې پاک لمنې میرمنې هم ځورول کیږي چې دغه ستونزې، په ټولنه کې د وګړو اندیښنې را پاراولي دي.

د پورته یادو شویو ټکو په پام کې نیولو سره دا هم د یادولو ده چې په دې برخه کې یوازې نارینه هم ګرم ندي، بلکې په خپله ځینې میرمنې هم د ځینو نورو ښځو د ځورونې سبب ګرځیدلې او دلیل یې هم دا دی چې دغه ډله مېرمنې او نجونې له کور نه بهر او په ټولنه کې داسې جامې او لباس کاروي چې له ورایه د نارینه وو پاملرنه ځان ته را جلبوي او دې ته زمینه برابروي چې په یو ډول نه یو ډول د ځینو نارینه وو لخوا وځورول شي. ځکه نو دا هم په کار ده چې میرمنې په عامه ځایونو کې له داسې لباس څخه استفاده وکړي چې د اسلامي اصولو او افغاني کلتور سره په ټکر کې نه وي.

د دې ستونزې د مخنیوي او حل لپاره په کار ده چې دولت او دیني عالمان په ګډه د عامه پوهاوي له لارې خلکو ته هغه دیني او قانوني اړخونه بیان کړي او په هغه سزا ګانو یې پوه کړي چې د ښځو د ځورونې په دلیل شتون لري او د تخلف په صورت کې له مجرمینو سره قانوني چلند وشي.

په پای کې له ټولو هیوادوالو، او دولت څخه هیله کوو ترڅو په ټولنه کې دمیرمنو د دا ډول ځورونو لاملین د قانون منګولو ته وسپاري ترڅو میرمنې او نجونې په سمه توګه وکولای شي خپلو درسونو او کار ځایونو ته په خوندي توګه لاړې شي.

نمونهٔ همت

داستان یک شاعر

ترجمه: انیسه غزنوی

گویند که یحیٰ ابن خالد برمکی و عبدالله بن مالک الخزاعی بین هم دشمنی مخفی داشتند و تا مدت بیشتر این دشمنی را آشکار نمی نمودند زیرا هارون الرشید عبدالله بن مالک را آنقدر دوست داشت که یحیٰ و پسرش گمان می کردند که عبدالله امیرالمؤمنین را سحر(جادو) نموده است.

با گذشت زمان دشمنی و کینهء آنها در مقابل همدیگر بیشتر می گردید بعداً هارون الرشید عبدالله را بحیث والی ارمینه به آنجا فرستادند.

در این وقت یک شخص عراقی که شاعر ذهین و هوشیار بود خیلی مسکین و تنگدست گذشت، این شاعر یک نامهٔ ساختگی که حاوی از سخنان دوستی بود را از جانب یحیٰ ابن خالد به عبدالله بن مالک نوشته و به طرف ارمینه حرکت کرد، و قتی که آنجا رسید همان نامه را به خادم عبدالله بن مالک سپرد تا به خود عبدالله برساند.

خادم آن نامهٔ ساختگی را به عبدالله بن مالک سپرد، وقتی که عبدالله بن مالک نامه را خواند، اندکی مشکوک گشت که شاید این نامه ساختگی باشد، به همین علت آن شاعر را احضار نمود و از وی پرسید: تو مشکلات سفر را برداشت نموده ای و نامهٔ ساختگی را به ما آورده ای، مگر با اطمنان باش که پاداش این زحمت را به تو خواهم داد.

آن شخص شاعر گفت: زمین خداوند جل جلاله وسیع است و خداوند جل جلاله روزی رسان همه موجودات است اگر شما از آمدن من خوش نیستید من همین اکنون خواهم رفت، اما اینکه این خط ساختگی نبوده و من او را از جانب یحیٰ بن خالد آورده ام.

عبدالله گفت: اگر اینچنین است،پس تو با من یک عهد ببند که در بغداد وکیل من است من این نامه را به وی می فرستم تا در بارهٔ این معلومات حاصل کند که اگر این نامه ساختگی نبود و به راستی نامهٔ یحیٰ بود، در اینصورت تو را والی کدام منطقه تعین خواهم کرد و اگر سوغات می خواهی، یک لک درهم و لباس اعلی به تو انعام خواهم کرد، و اگر این نامه خود ساخته بود ترا(۲۰۰) تازیانه خواهم زد.

بعداً عبدالله امر نمود که این شخص(شاعر عراقی) را به بند برده و احتیاجات او را بر آورده سازد، بعداً عبدالله به وکیل خویش خط نوشته کرد که یک تن از بغداد نامهٔ یحیٰ را به من آورده من فکر میکنم که این نامه را خود ساخته است، از تو می خواهم تا در بارهٔ این نامه تحقیق نموده بعداً مرا خبر بدهی.

وقتیکه وکیل نامه عبدالله را در یافت نمود، همان روز به جانب خانه یحیٰ رفت و خط عبدالله را برایش پیش کرد، یحیٰ خط مذکور را خواند و وکیل را گفت شما منتظر باشید من جواب این خط را برایتان می نویسم.

بعداً یحیٰ بجانب دوستان خویش رفت و از آنها پرسید که سزای آن شخص چیست که برای دشمن ما از جانب ما خط خود ساخته را نوشته است. هر دوست یحیٰ یک یک نوع تعزیر را برایش انتخاب می نمود.

بعداً یحیٰ گفت: همه شما خطا کرده اید و شما میدانید که عبدالله نزد امیرالمؤمنین مقام بلند دارد و این را هم میدانید که میان من و او کینه و بغض وجود دارد و اکنون خداوند جل جلاله این شخص را(که از جانب ما نامهٔ ساختگی نوشته) وسیله صلح ما قرار داده ما باید آرزوی این شخص را بر آورده ساخته و او را راستگو ثابت نماییم و به عبدالله نامه بنوسیم تا قدر و عزت او را بکند بعداً یحیٰ قلم و رنگ را خواست و این گونه خط را به عبدالله نوشت

(بسم الله الرحمن الرحیم !!!

نامه شما برایم رسید، خداوند جل جلاله عمر شما را مبارک نماید و از صحت و استقامت شما خرسند شدم،شک شما در اینکه آن شخص شریف نامهٔ خود ساخته را برایتان نوشته غلط است،زیرا آن خط را من به دستان خود نوشته و به شما ارسال نموده بودم، من از سخاوت و رویهٔ نیک شما امیدوارم تا امیدها و آرزوهای آن شخص را بر آورده سازید) بعداً نامه را به وکیل عبدالله سپرد، وکیل نامه را به عبدالله رساند و قتیکه عبدالله نامه را خواند خیلی مسرور گشت، آن شخص را خواست و برایش گفت چه را می خواهی؟ آن شخص گفت سوغات را می خواهم. عبدالله برای او دو لک درهم، اسپای عربی نسل، ۲۰ جوره لباس و ۱۰ تن غلامان شهسوار و گوهر قیمتی را عطا کرد و همرای یک تن شخص باوری خویش او را به بغداد فرستاد.

وقتیکه آن شخص به بغداد رسید بدون اینکه به خانهٔ خود برود به منزل یحیٰ بن خالد رفت و اجازت ملاقات با وی خواست، غلام یحیٰ بن خالد به یحیٰ گفت که یک شخص مدبر و دولتمند اجازت ملاقات با شما می خواهد یحیٰ اجازت داد و آن شخص داخل آمد و نزد یحیٰ خود را پائین ساخت یحیٰ بن خالدبرایش گفت: من شما را نشناختم، شما کی هستید؟

او گفت: من آن شخص هستم که از ظلم مهال و زمانه به آغوش مرگ رفته بودم و شما برایم زندگی جدید بخشیدید، آن نامهٔ ساختگی را من نوشته بودم.

یحیٰ گفت: عبدالله با تو چه رویه نمود؟

آن شخص گفت: او از برکت و شرافت شما برایم هر چه بخشیده است و من آن را در دروازهٔ شما آورده ام اکنون معامله در اختیار شما است و من منتظر امر شما ام.

یحیٰ گفت: تو نه اینکه تنها بر خودت احسان نموده ای بلکه بیشتراز خودت بر ما احسان نموده ای، ما از شما متشکر ایم زیرا تو کینه و دشمنی دیرینهٔ ما را به دوستی تبدیل نموده ای.

و بعداً یحیٰ بن خالد هم برایش برابر سوغات عبدالله سوغات عطا کرد.

حقیقتاً انسانیکه صاحب همت بلند باشد هیچگاه همت او ضایع نخواهد شد و ثمرهٔ همت خویش را حاصل خواهد کرد.

دوه مخې ډيموکراسي

مدثر اسلامي

افغانستان کې د امريکايي اشغال له پيل سره سم، د نورو مطلوبو او نامطلوبو بدلونونو تر څنګ، نوي اصطلاحات او نومونه رامنځ ته شول. آزاد خيالي، رونړ اندی، ډيموکرات، ليبرال، سيکولر، ملي‌ګرا، مدني فعال، اجتماعي‌فعال، عصري يا عصريت مزاجه او منځلاری، هغه اصطلاحات دي چې د دې دورې په اصطلاح شخصيتونه پرې پېژندل کېږي. د بېلا بېلو دلايلو له مخې دا شخصيتونه هم پورته يوې يا ډيرو اصطلاحاتو ته ځان منسوبول، ويار ګڼي.

په ټوله کې دا دوره د امريکايي اشغال او ورسره شريکو بهرنيو او افغاني کړيو له لوري د ډيموکراسۍ د دور په نامه يادېږي، چې پکې ګواکې د بهرنيو ځواکونو په پيرزوينه افغان ولس د طالبانو له تيارې او بند چاپېريال څخه د پرمختګ او آزادۍ پر درشل ګامونه کېښودل. د ډيموکراسي، ټولو ښو او بدو ځانګړنو ته له پام پرته، يوه ستره مشخصه د نظر او بيان آزادي ده.

د ډيموکراسي د نورو مفاهيمو، د شعوري يا لا شعوري، ناسمې کارونې تر څنګ د نظر او بيان آزادي، افغانستان کې له ټولو پولو هاخوا پېښې اوږدې کړلې. په‌دې برخه کې تر ټولو ډېر زيان دين او دين ته منسوبو مرکزونو، جهتونو او وګړو وګاله. د بيان او نظر د آزادۍ تر سرليک لاندې پر دين بريدونه، د طالبانو له لوري د وړاندې شوي ديني فهم په اړه له پوښتنو او نيوکو پيل او بيا تر ديني مدرسو، ديني نصوصو، ديني عالمانو او له دين څخه تر ښکاره انکاره ورسيدل. هغه څه چې دا پروسه يې لا ګړندۍ کړه، د امريکا او اروپايي هيوادونو له خوا هغو اشخاصو ته د پناه ورکول او د هغوی هڅونه وه، چې ګواکې پر دين ملنډو او بريدونو يې باورونو او ژوند ته ګواښ رامنځ ته کړی ؤ.

د ډيموکراسي د دور دروغجنو اتلانو هڅه کړې او لا يې کوي چې د حقونو، ازادي، پرمختګ، مدنيت، برابري او استازولی (په ځانګړې ډول د ښځو لپاره) په نوم د داسې يو اردمهاله بدلون لپاره لار هواره کړي، چې له دين او افغاني کلتور سره هيڅ سر نه لګوي، بلکې په پای کې د دين جړړې باسي. د دې بدلون پر وړاندې د حساسيت کمولو او د بدلون د عملي کولو لپاره يې له هر ډول مشروعې او نامشروعې وسيلې څخه کار اخيستی دی. رسنی، نادولتي اداري، مدني ټولنې، دولتي موقفونه، سياسي او مالي ملاتړ (په ځانګړې توګه له بهرنيو ادارو او سفارتونو څخه) او فرهنګي او هنري مرکزونه د دې بدلون د اصلي توکو په توګه کارول شوي دي.

هر کله چې افغان ولس، ديني عالمانو، د پارلمان استازو، ولسي مشرانو او د حکومت ځينې چارواکو د دې نامطلوب بدلون پر وړاندې غږ پورته کړی او يا يې د بدلون تر شا موخو او ناوړه راتلونکو اغيزو څخه پرده پورته کړې ده، هغوی د ډيموکراسي او آزادي مخالفين او آن په ځينې مواردو کې د پرمختګ دښمنان او بې وسلې طالبان بلل شوي دي. خو که همدا توکي، د ولس ريښتينو استازو او په ځانګړي ډول ديني عالمانو د ولس د مشروعو غوښتنو د غبرګولو لپاره کارولي دي، د ډيموکراتانو دوه مخې راښکاره شوې او د بيان او نظر آزادي ته له پام پرته يې د نورو جنجالي او مبهمو موضوعاتو په مطرح کولو د ذهنيتونو د اړولو او يا د مدني فعاليت (چې ډيموکراتان يې د هر ډول بدلون اساسي لار بولي) په وړاندې د کرکې او مخالفت پارولو هڅه کړې ده.

په وروستۍ پېښه کې چې د تېرې اونۍ په سر کې پېښه شوه، د هرات ګڼ شمير ديني عالمانو او ولسي وګړو په ياد ولايت کې د افغان ستوري سندريزې برنامې د ثبتولو مخالفت وکړ، چې د هغوی په بارو په ځوانانو کې فحشا، بې پردګي او بې بندوباري خپروي. لدې مخکې هم يو شمير ديني عالمانو او ولسي وګړو د خپلواکۍ د ورځې په پلمه په کابل کې د يوې ښځينه سندرغاړې له لوري جوړيدونکي کنسرت سره مخالفت وښود او د کنسرت جوړوونکي مجبور شوو چې پروګرام سختو امنيتي ترتيباتو کې په يوه هوټل کې ترسره کړي. دواړه ځله، ديني عالمانو او ولسي وګړو د سوله ييزو لاريونونو په ترڅ کې په ډيموکراتيک ډول، د بيان او نظر ازادي د اصولو په پام کې نيولو سره، غږ پورته کړ خو دا چې پورته شوې ناره د ديني جهت له لوري پورته شوې وه او د دوه مخو ډيموکراتانو له اجنډا سره يې جوړجاړی ناممکن وو، د دې مدني فعاليت مخالفت يې وکړ او لاريون کوونکي يې په يوه او بهانه د دې کار په کولو ملامت کړل. په ديني عالمانو يې يو او بل ډول تاپې ولګولې او عام وګړي هم تر ډيره د دې پر ځای چې د سندريزې برنامې په مخنيوي تمرکز وکړي، د ديني عالمانو په دفاع کې بوخت شول.

د امريکا د استخباراتو د پخواني مشر خبره ده، چې په مصر کې د تاکل شوي ولسمشر مرسي د پرزولو په اړه يې د يوه ژورنالیست په خواب کې ويلې، چې ډيموکراسي مونږ د هر چا لپاره نه غواړو. افغانستان کې هم آزادي يوازې د محدودو خلکو يا مشخصو اهدافو لپاره د تطبيق وړ ده او که نه د منلو نه‌ده.

عجیب زمانی را داریم تجربه می‌کنیم!

ابو شبیر سعادت

درزمانه‌های قبل، خاصتاً دراوایل نیمه‌ی اول قرن چهارده‌ی هجری خورشیدی که هنوز ملت مظلوم ومحروم ما دریک فضای نسبتاً بی‌خبری از حال و احوال دنیای کنونی قرارداشته و باتغییر و تعویض مزید نظام‌ها نا آشنا بودند؛ از دیدگاه فکر و اندیشه، چهره‌ها تاحد زیادی واضح و معلوم الحال و هویت‌ها و مفکوره‌ها مشخص بود، هرآنکه در مطابقت با احکام دین و آیین مقدس اعمال و کارکردهای بزرگ و مهمی را انجام می‌داد، هم‌فکره وهم‌کیشان و همچنان پیروان مخلص ایشان نکته‌های جالب وارزش‌مند و ستایش گونه‌یی را نثارآنها می‌کردند و از آنان به‌صورت گسترده و همه جانبه تمجید و توصیف به‌عمل می‌آوردند؛ اما زمانی‌که بنا برقضای الهی اشخاص و افراد متذکره، از دارفانی رخت سفر بسته و به ابدیت می‌پیوستند، القاب مختلفی را بدیشان منسوب نموده و با الفاظی چون: ارواح شاد، مرحومی، خدابیامرز، جنت‌ها جایش و امثالهم از آنها یاد می‌نمودند، البته این همه درحیطه‌ی باورهای دینی و ایمانی انجام می‌پذیرفت.

اما برعکس کسانی‌که در برابر فطرت قد علم نموده و از اصالت خویش انکار ورزیده بودند، طبعاً هم مفکوره‌های آنان حالت ظواهر را در نظر گرفته، فقط کارکردهای مهم زمان حیات آنان را می‌ستودند و وقتی‌که عمر آنها به پایان می‌رسید اگر چهره‌های معروف می‌بودند، به یاددهانی و تذکرنام و کارهای عمده‌ی وقت زندگی اش بسنده می‌نمودند؛ چون آن‌ها مسلک و راه و روشی را به رسمیت می‌شناختند، که فقط زندگی مادی دنیا بود، یعنی نه به زنده شدن بعد ازمرگ ایمانی داشتند و نه هم به جنت و دوزخ و یوم حساب و کتاب اعتقادی.

ولی متأسفانه امروز از زندگی مردم کشور درداخل و خارج، حالت کشمش نخود به میان آمده است، یعنی اگر کسانی دیروز از دین و آیین و مردم و اجتماع بریده و آله‌ی دست قوت‌های طاغوتی گردیده و هرآنچه از سفاکی و ظلم و بربریت و اعمال کفری را که از دست شان می‌آمد به حق ملت ستم دیده جبراً و کرهاً روا داشته بودند و اگر بیشتر در مورد تصریح شود، آن سیه دلان درنده خو، تا گلو در جنایت و وحشت و استبداد و لادینی غرق بودند و حال در مجالس و محافل اجتماعی، خوشی و غم اکثریت مردم اعمال شرم آور آن دون صفتان را به باد فراموشی سپاریده اند؛ حتا از کسانی درین قسمت سخن‌های تکان دهنده‌ی را می‌شنویم و سراغ داریم که، در میان مردم منحیث مرشد و راهنمای دینی و داعی الی‌الخیر مطرح گردیده اند.

یعنی برخی از عناصر جانی، خود فروخته و گماشته‌گان اجانبی را که هویت آن‌ها معلوم الحال بوده و ازجنایات قبلی خویش لحظه‌یی هم به ندامت روی نیاورده اند، اگر بنا بر قضای الهی عمر آن‌ها در داخل و یاخارج از کشور به پایان رسیده و ارواح خبیثه‌ی شان به دادگاه الهی پیش‌کش می‌گردد، از ایشان توسط تعدادی از نخبه‌گان دینی و چهره‌های ممتاز آگاهانه و یا ناآگاهانه روی ملحوظات مختلفی به القاب عجیب و غریبی یاد می‌شوند، که گویا انسان‌های هدف‌مند و شخصیت‌های صالح و دل‌سوز جامعه ازین دنیا رخت سفربسته و به ابدیت پیوسته اند.

به هرحال، باید به این بزرگ‌واران تصریح نماییم که وقت و زمان می‌گذرد و همین اکنون در حال گذشتن است؛ اما اعمال و کارکردهای ما و شما چه خوب باشد و یا بد، در اعمال‌نامه‌ها به‌وسیله‌ی کراماً کاتبین حک گردیده و الی یوم الحساب محفوظ می‌شود، و سرانجام در مطابقت با پرونده‌ی آن در قسمت آینده‌ی من و شما فیصله خواهد شد، یعنی مزید بر آن نباید فراموش نمود، که حالات زندگی امروز دوام‌دار باقی نمی‌ماند، مناصب و قدرت‌های زودگذر دنیوی با سرمایه‌های مادی آن فنا پذیر است. بعد ازفوت شدن انسان دوست و دشمن با آن وداع می‌گویند و فرصت‌ها و اوقات گران‌بهای زندگی، کاخ عمر همه به‌سوی نابودی و نیستی سوق داده می‌شود و به هر اندازه‌ی که شخص بکوشد گذشته‌ها را دوباره برگردانده نمی‌تواند. اگر از حیات بعدی فرصتی‌که پیش رو قرار دارد، فقط برای تصفیه‌ی حساب و کتاب می‌باشد؛ یعنی در اخیر کار پاداش دادن برای نیکوکاران و صالحان و مجازات و به کیفر رسانیدن به شقی‌ها و نافرمانان است .

بناءً، اگربه اوضاع نابسامان و بغرنج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنونی مردم و کشور خویش، با دید حق‌جویانه بنگریم، بدون شک که نهایت دردآور و تأسف بار است؛ اما در مقابل، ما و شما متأسفانه داریم عجیب حالت و زمانی را تجربه می‌کنیم و نباید ازین بیش‌تر در یک حالت اندوه‌ناک و در تغافل و بی‌خبری از آینده‌ها وقت و زمان را سپری نماییم، باید زیرکانه و هوش‌مندانه با دقت تمام به دور و بر خویش بنگریم، با استفاده از امکانات مادی و معنوی موجود و همچنان فرصت‌های میسر شده‌ی زندگی مختصر و ما بقای دنیوی کارهای مطلوب، پسندیده و شایسته‌یی را انجام دهیم، که باعث عزت و افتخار و سربلندی و سرخ‌رویی مان در دنیا و توشه‌ی مفید و سودمند، قیمتی و نجات دهنده از عذاب مهین و مهلک در روز رستاخیز باشد!

هفته نامه
بجز اصلاح اراده دیگری ندارم
اصلاح ملی
داسلام داصیل فهم منبر

- اصلاح ملی در ویرایش مطالب دست باز دارد.
- مطالب آمده مسترد نمی شود.
- مطالب منتشره بیانگر آرای نویسنده گان است.

شعارما

اصلاح فرد، خانواده و جامعه.
تأمین عدالت اجتماعی و قانونیت درکشور.
ترقی و انکشاف همه جانبهء افغانستان.

چـینه

فابریکه تولیدی لوازم تشناب

CHEENA

اولین فابریکه تولیدی لوازم
تشناب با پنج سال گرنتی

آدرس: پکتیاکوټ، نساجی سابقه کابل
Cheena Sanitary Fitting industry /
0789090677

واسکت دریشی

HANEEF TAILOR
H.T.S

خیاطی و رخت فروشی حنیف ستایل

رخت فروشی و دوخت لباس با دیزاین کتلاک پذیرفته میشود

+93783000135 - +93795552296
/Haneef-Tailor
haneef.tailor.style@gmail.com
کلوله پشته بین چهار راهی ترافیک و گل سرخ

اصلاح ملي

د تېرو کلونو کلکسیونونه

اوس پې تر لاسه کړئ

آدرس: د جمعیت اصلاح مرکزي دفتر - تیمني سابقه - خلورمه کوخه
شمېره: ۰۷۸۰۷٤۱۳۱۲

اعلانات شما را می پذیریم

هفته نامه اصلاح ملی
در ۲۸ ولایات کشور به تیراژبلند توزیع می گردد
اصلاح انلاین
پر بیننده ترین صفحه انترنتی افغانی
www.eslahonline.net

رادیو صدای اصلاح 104.3 FM
با ۱۷ ساعت نشرات در شبانه روز
شماره تماس: 0786945943